

بزرگداشت

غدیر و عاشورا

در سیره و بیان امام رضا علیه السلام

مهدی صدقی



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ عليه السلام.

عید غدیر و عزای عاشورا از برترین و ارزشمندترین نمادهای ولایت و برائت و مهم‌ترین تجلی شعائر مذهبی به شمار می‌رود و اهتمام در بزرگداشت و برپاداشتن آن دو وظیفه همگان است.

شرائط و موقعیت پیشوایان معصوم علیهم السلام هر کدام با دیگری متفاوت بوده و به تبع آن، سیره و روش آنان در رفتارهای اجتماعی یکسان نبوده است.

در زمان مأمون عباسی موقعیتی پیش آمد که امام هشتم علیه السلام به صورت نسبی توانستند به بیان حقایق، تعظیم شعایر و دفاع از آن بپردازند.^۱

در منابع روایی و کتب حدیثی آثاری وجود دارد که اهتمام آن امام همام را در مورد «جشن غدیر و عزادارای عاشورا» به خوبی نشان می‌دهد.

۱. مأمون با آن‌که خود غاصب خلافت بود و از دشمنان سرسخت خاندان رسالت بشمار می‌رفت ولی در مناظرات و مباحثات کلامی، خود را مدافع و حامی ولایت امیرمؤمنان علیه السلام می‌شمرد و به شدت از خلافت بلافصل آن حضرت دفاع می‌کرد.

جزوه‌ای که پیش رو دارید، به منظور نشان دادن مواردی از سیره و بیان سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در این زمینه است که در دو بخش تقدیم می‌شود:

بخش اول: بزرگداشت عید غدیر و بیان فضیلت‌های آن

بخش دوم: اهمیت عزاداری عاشورا و محرم و آثار و فواید آن

انتشار و ترویج این کلمات نورانی به محضر مبارکِ مادرِ بزرگوار امام هشتم، بانوی قداست و طهارت، حضرت نجمه خاتون علیها السلام تقدیم می‌گردد.

به امید روزگاری که همراه با وارث غدیر، در کنار مرقد امیر، غدیر جشن عید غدیر برپا کرده و همراه با منتقم تاراالله، در کربلای معلی، اقامه عزای عاشورا داشته باشیم.

عید غدیر ۱۴۳۴، بازنگری ۱۴۳۷، تیرماه ۱۳۹۵

قم، مهدی صدری

بزرگداشت عید غدیر و بیان فضیلت‌های آن

● روایت یکم

۱. شهرت آسمانی یا عید فرشتگان

عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي^۱، قال: كنا عند مولانا أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام، والمجلس غاصٌّ بأهله، فتذاكروا يوم الغدير، فأنكره بعض الناس، فقال [الإمام] الرضا عليه السلام: حدّثني أبي، عن أبيه عليهما السلام، قال: إن يوم الغدير في السماء أشهر منه في الأرض!

۱. شیخ طوسی رحمته الله فرموده: احمد بزنطی نزد امام رضا علیه السلام از منزلتی عظیم برخوردار بود. او تقه‌ای جلیل القدر است. شیخ کشتی نیز او را از اصحاب اجماع دانسته که شیعیان بر علم و فقاہتشان اتفاق نظر دارند. (معجم رجال الحدیث ۱۷/۳ - ۲۱).
مصادر روایت: رجوع شود به تهذیب ۲۴/۶، اقبال ۲۶۹/۲ - ۲۷۰ (چاپ سنگی: ۴۶۸)، فرحة الغری ۱۳۲ - ۱۳۳، مصباح المتہجد ۷۳۷، مناقب ۲۴۳/۲، مصباح الزائر ۱۵۳، وسائل ۳۸۸/۱۴ - ۳۸۹، بحار الأنوار ۱۸۲/۸ - ۱۸۳ و ۱۶۳/۳۷ - ۱۶۴ و ۱۱۸/۹۴ - ۱۱۹.

إن لله في الفردوس الأعلى قصرًا لبنةً من فضةٍ ولبنةً من ذهب، فيه مائة ألف قبةٍ من ياقوتة حمراء، ومائة ألف خيمةٍ من ياقوت أخضر، تراه المسك والعنبر، فيه أربعة أنهار: نهر من خمر، ونهر من ماء، ونهر من لبن، ونهر من عسل. حوالیه أشجار جميع الفواكه، عليه طيور أبدانها من لؤلؤ وأجنتها من ياقوت، تصوت بألوان الأصوات.

إذا [فإذا] كان يوم الغدير ورد إلى ذلك القصر أهل السماوات يسبحون الله، ويقدمونه، ويهللونه، فتطير تلك الطيور، فتقع في ذلك الماء، وتمرغ [وتتمرغ] على ذلك المسك والعنبر، فإذا اجتمعت الملائكة طارت فتنفذ ذلك عليهم.

وإنهم في ذلك اليوم ليتهادون نثار فاطمة عليها السلام،^۱ فإذا كان آخر اليوم نودوا: انصرفوا إلى مراتبكم، فقد أمنتكم الخطاء والزلل إلى قابل مثل هذا اليوم تكرمه لمحمد وعلي عليهما السلام.

احمد بن ابی نصر بزنطی می گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودیم، مجلسی پر از جمعیت بود، صحبت از فضیلت روز عید غدیر پیش آمد و بعضی از مردم آن را انکار کردند. حضرت ثامن الحجج از پدرش از جد بزرگوارش علیه السلام نقل فرمود که: روز غدیر در آسمانها مشهورتر است تا زمین!

در فردوس اعلی قصری است که ساختارش خشتی از نقره و خشتی از

۱. یعنی ما نثرت من شجرة طوبی من الدر والياقوت واللؤلؤ وغيرها حين زوجت علیه السلام في السماء. (راجع: عوالم العلوم ۱/۱۱ - ۶۶۳ - ۴۶۶).

طلاست. در آن صدهزار گنبد یاقوت سرخ و صدهزار خیمه یاقوت سبز وجود دارد. کف پوش آن کاخ مشک و عنبر است. در آن چهار نهر جاری است: شراب (طهور)، آب، شیر و عسل. اطراف آن را درختان میوه دار از همه انواعش پر کرده است. پرندگانی بر آن هستند که بدنشان از لؤلؤ و بالشان از یاقوت است و به نغمه ها و صوت های گوناگون مترنم هستند.

روز عید غدیر آسمانیان وارد آن قصر شده و به تسبیح و تقدیس و تهلیل پروردگاری می پردازند. پرندگان مزبور به پرواز درمی آیند و در آن آب ها رفته سپس خود را به آن مشک و عنبر آغشته و آن را بر فرشتگان می افشانند. فرشتگان در آن روز نثار حضرت فاطمه علیه السلام^۱ را به یکدیگر هدیه می دهند.

پایان آن روز ندا می آید: به جایگاه و رتبه خویش باز گردید که به احترام پیامبر و امیر مؤمنان صلوات الله علیهما و آلهما تا چنین روزی در سال آینده از خطا و لغزش محفوظ خواهید بود.

۲. زیارت امیر مؤمنان علیه السلام در عید غدیر

ثم التفت عليه السلام، فقال لي: يا ابن أبي نصر! أينما كنت فاحضر يوم الغدير عند أمير المؤمنين عليه السلام فإن الله يغفر لكل مؤمن ومؤمنة ومسلم ومسلمة ذنوب ستين سنة، ويعتق من النار ضعف ما أعتق في شهر رمضان وليلة القدر وليلة الفطر.

۱. یعنی درّ و یاقوت و لؤلؤ و گوهرهایی که هنگام تزویج آن حضرت در آسمان از درخت طوبی می بارید.

۴. ارزش شناخت غدیر

والله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته، لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرات.

به خدا سوگند اگر مردم به فضیلت روز عید غدیر شناخت صحیح و کامل داشتند، فرشتگان هر روزه مرتبه با آنان مصافحه می کردند!

۵. فضائل بیشمار

ولولا أنني أكره التطويل، لذكرت من فضل هذا اليوم، وما أعطى [أعطاه] الله [فيه] من [لمن] عرفه ما لا يُحصى بعدد.

اگر از طولانی شدن کلام کراهت نداشتم، از فضیلت روز عید غدیر و عطای الهی - در آن روز - برای کسانی که به آن معرفت دارند، آن قدر بیان می کردم که به شمارش نیاید.

۶. مذاکره فضائل غدیر

قال علي بن الحسن بن فضال: قال لي محمد بن عبد الله: لقد ترددت إلى أحمد بن محمد - أنا وأبوك والحسن بن جهم - أكثر من خمسين مرة سمعناه منه.

علی بن حسن بن فضال از محمد بن عبدالله - که از روایان حدیث گذشته است - نقل کرده که او گفت: من با دو نفر از روایان حدیث بیش از پنجاه بار نزد احمد بزنتی رفتیم و این مطالب را که خودش از امام رضا علیه السلام شنیده بود برای ما نقل نمود. این مطلب حاکی از آن است که مذاکره فضائل عید غدیر نزد روایان حدیث از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است.

سپس امام رضا علیه السلام به بزنتی فرمود: هر جا باشی روز عید غدیر خود را به مرقد امیرمؤمنان علیه السلام برسان؛ که خداوند برای هر مرد و زن با ایمان و مسلمان گناه شصت سال را می آمرزد، و دو برابر آنچه در ماه مبارک رمضان، شب قدر و شب عید فطر از آتش آزاد کرده، در عید غدیر آزاد می کند.

۳. احسان به مؤمنان در روز غدیر

والدرهم فيه بألف درهم لإخوانك العارفين، وأفضل [أفضل] على إخوانك في هذا اليوم، وسرّ فيه كل مؤمن ومؤمنة.^۱

هر درهمی که روز عید غدیر برای برادران مؤمن - که معرفت به ولایت دارند - خرج شود پاداش هزار درهم دارد. پس برادران مؤمن را از فضل و احسان خویش بهره مند ساز و هر مرد و زن با ایمان را شاد و مسرور نما.^۲

۱. ثم قال علیه السلام [مخاطباً للمؤمنين الحاضرين، وهم من أهل الكوفة]: يا أهل الكوفة، لقد أعطيتم خيراً كثيراً، وإنكم لمن امتحن الله قلبه للإيمان، مستدلون مقهورون ممتحنون، يصبّ البلاء عليهم [عليكم] صبباً، ثم يكشفه كاشف الكرب العظيم.

۲. در اینجا امام رضا علیه السلام حاضران در مجلس را - که اهل کوفه بودند - مورد تفقد قرار داده و خطاب به آنان فرمود: ای اهل کوفه خدا به شما خیر بسیاری عنایت فرموده، شما از جمله کسانی هستید که خدا دل‌هایتان را در ایمان آزموده [و سرافراز گشته‌اید، گرچه از ناحیه دشمن] شما خوار و مغلوب شده و در بلا و آزمایش افتاده‌اید به نحوی که باران بلا بر شما می بارد ولی خدایی که گرفتاری‌های بزرگ را برطرف می کند، مشکلات شما را نیز برطرف خواهد کرد.

● روایت دوم

۷. عظمت عید غدیر در قیامت

روی السید ابن طاووس ، عن کتاب النشر والطنی^۱ ، عن مولانا ابي الحسن الرضا علیه السلام ، قال : إذا كان يوم القيامة زقت أربعة أيام إلى الله كما تزقت العروس إلى خدرها . قيل : ما هذه الأيام ؟ قال : يوم الأضحى ويوم الفطر ويوم الجمعة ويوم الغدير ، وإن يوم الغدير بين الأضحى والفطر والجمعة كالقمر بين الكواكب .

سید ابن طاووس از کتاب النشر والطنی نقل می‌کند که حضرت ثامن الائمه علیه السلام فرمود: هنگامی که قیامت برپا شود چهار روز را - مانند عروسی که به سراپرده‌اش برده می‌شود - نزد خدا می‌برند. از آن حضرت پرسیدند: آن چهار روز کدام است؟ فرمود: روز عید قربان، روز عید فطر، روز جمعه، روز غدیر. عید غدیر بین آن سه روز مانند ماه است بین ستارگان .

۸. صیام انبیا علیهم السلام در روز غدیر

ثم قال علیه السلام : وهو اليوم الذي نجا فيه إبراهيم الخليل عليه السلام

۱. کتاب «النشر والطنی» مفقود و مؤلف آن ناشناخته است. از تقدیم آن به رستم بن علی، شاه مازندران (حکومت از سنه ۵۳۳ تا ۵۵۸) معلوم می‌شود که در نیمه نخست قرن ششم می‌زیسته است. برخی مؤلف آن را از عامه دانسته‌اند، ولی این ناشی از برداشت اشتباهی است که از عبارت اقبال ۲/ ۲۴۰ (چاپ سنگی: ۴۵۴) شده که مطلبی را به نقل از او از مخالفین روایت کرده است. مجموع روایات نقل شده از کتاب به روشنی دلالت بر تشیع او دارد. (رجوع کنید به الذریعة ۱۵۹/۲۴، کتابخانه ابن طاووس ۶۷۹).
مصادر روایت: رجوع شود به اقبال ۲/ ۲۶۰ - ۲۶۳ (چاپ سنگی: ۴۶۴ - ۴۶۵)، کشف المهم ۶۵ - ۶۹، عوالم ۱۵/ ۲۲۲ - ۲۲۵.

من النار فصامه شكراً لله^۱.

وهو اليوم الذي أكمل الله به الدين في إقامة النبي صلى الله عليه وآله علياً أمير المؤمنين عليه السلام علماً ، وأبان فضيلته ووصاءته ، فصام ذلك اليوم.

غدیر روزی است که خدا حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام را از آتش نجات داد و آن حضرت برای سپاس‌گذاری خداوند آن روز را روزه گرفت. غدیر روزی است که خدا دین را در آن کامل گردانید به این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علی علیه السلام را به عنوان پرچم (هدایت) برای امت برافراشت و فضیلت و جانشینی او را آشکار ساخت و [امیرمؤمنان علیه السلام] به شکرانه‌اش آن روز را روزه گرفت^۲.

۱. وفي رواية المفضل عن مولانا أبي عبد الله صلوات الله عليه : إنه اليوم الذي تاب الله فيه على آدم عليه السلام فصامه [فصام] شكراً لله ...

وإنه اليوم الذي أقام موسى هارون عليهما السلام علماً فصام شكراً لله تعالى ذلك اليوم .
وإنه اليوم الذي أظهر عيسى عليه السلام وصيه شمعون الصفا فصام شكراً لله عز وجل [على] ذلك اليوم . (رجوع شود به اقبال ۲/ ۲۶۴ - ۲۶۵ (چاپ سنگی: ۴۶۶)، العدد القوية ۱۶۸ - ۱۶۹، بحار الأنوار ۳۲۳/۹۵، وسائل ۱۰/ ۴۴۵ - ۴۴۶)

وفي رواية الشيخ المفيد وغيره : وفي هذا اليوم فلج موسى بن عمران عليه السلام على السحرة وأحرزى الله تعالى فرعون وجنوده من أهل الكفر والضلال
وفيه نصب موسى عليه السلام يوشع بن نون وصيه، ونطق بفضله على رؤوس الأشهاد
وفيه أشهد سليمان بن داود عليهما السلام سائر رعيته على استخلافه أصف بن برخيا عليه السلام، ودل على فضله بالآيات والبيّنات . (مسار الشيعية ۲۲، العدد القوية ۲۰۰ - ۲۰۱، بحار الأنوار ۴۹۳/۳۱ و ۱۹۴/۹۵).

۲. در روایت مفضل از امام صادق علیه السلام افزوده شده: غدیر روزی است که خدا توبه حضرت آدم علیه السلام را پذیرفت و او به شکرانه‌اش آن روز را روزه گرفت. ←

۹. غدیر روز خواری شیطان

وإنه لیوم الکمال ، ویوم مرغمة الشیطان .

غدیر روز کمال است .

غدیر روزی است که بینی شیطان به خاک مالیده شده است .

۱۰. عید غدیر روز پذیرفته شدن اعمال

ویوم تقبل أعمال الشیعة ومحبی آل محمد علیهم السلام .

وهو الیوم الذی یعمد الله فیه الی ما عمله المخالفون فیجعله هباءً منثوراً .

عید غدیر روز پذیرفته شدن اعمال شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام است و روزی است که خداوند اعمال مخالفین را (مانند) گرد و غبار، پراکنده و نابود می‌سازد.^۱

غدیر روزی است که حضرت موسی، هارون علیهم السلام را به عنوان پرچم هدایت نصب کرد و او به شکرانه‌اش آن روز را روزه گرفت .

غدیر روزی است که حضرت عیسی علیه السلام جانشینی و صیبه شمعون الصفا علیه السلام را اعلام کرد و او به شکرانه‌اش آن روز را روزه گرفت .

و بنا بر نقل شیخ مفید رحمته الله : غدیر روزی است که حضرت موسی علیه السلام بر جادوگران غالب، و خدا فرعون و لشکریان کافر و گمراهش را به خواری و رسوایی کشید .

غدیر روزی است که حضرت موسی علیه السلام، جناب یوشع بن نون را بر جانشینی خویش نصب و در برابر جمعیت فضائل او را بیان نمود .

غدیر روزی است که حضرت سلیمان علیه السلام مردم را بر جانشینی آصف بن برخیا علیه السلام شاهد گرفت و فضائل او را با آیات و مطالب روشن بیان نمود .

۱. اشاره به آیه شریفه : ﴿ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنُورًا ﴾ الفرقان (۲۵): ۲۳ .

۱۱. طلب آمرزش جبرئیل علیه السلام برای محبتین و شیعیان در روز غدیر

وهو الیوم الذی أكمل الله الدین .

وهو الیوم الذی یأمر جبرئیل علیه السلام أن ینصب کرسی کرامة الله بإزاء بیت [البیت] المعمور ، ویصعد جبرئیل علیه السلام ، وتجتمع الیه الملائكة من جمیع السماوات ، ویثنون علی محمد صلی الله علیه وآله ، ویستغفرون لشیعة أمیر المؤمنین والأئمة علیهم السلام ، ومحبتهم من ولد آدم علیه السلام .

غدیر روزی است که خدا دین را در آن کامل ساخت .

عید غدیر روزی است که جبرئیل علیه السلام به امر خدا کرسی کرامت الهی را برابر بیت المعمور نصب کرده و بر آن بالا می‌رود، فرشتگان همه آسمان‌ها گرد او جمع می‌شوند و او مدح و ثنای پیامبر صلی الله علیه و آله گفته و برای شیعیان و دوستان امیر مؤمنان و ائمه علیهم السلام طلب آمرزش می‌نماید.

۱۲. گذشت از لغزش شیعیان در عید غدیر

وهو الیوم الذی یأمر الله فیه الکرام الکاتبین أن یرفعوا القلم عن محبتی أهل البیت وشیعتهم ثلاثة أيام من یوم الغدیر ، ولا یکتبون علیهم شیئاً من خطایاهم کرامة لمحمد وعلی والأئمة علیهم السلام .

عید غدیر روزی است که خداوند به فرشتگانی که مأمور نوشتن اعمال هستند فرمان دهد که به احترام پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان و ائمه علیهم السلام تا سه روز قلم از دوستان و شیعیان آنان برداشته و از خطا و لغزش آنان چشم‌پوشی شود.

۱۳. غدیر عید اهل بیت علیهم السلام

وهو اليوم الذي جعله الله لمحمد صلى الله عليه وآله وآله عليهم السلام وذوي رحمة [رحمه].

عید غدیر روزی است که خدا برای پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش و کسانی که مورد رحمت او واقع شده‌اند،^۱ قرار داده است.

۱۴. خیر دنیا و آخرت در روز غدیر

وهو اليوم الذي يزيد الله في حال من عبَد [عَبَد] فيه، ووسَّع على عياله ونفسه وإخوانه، ويعتقه الله من النار.

وهو اليوم الذي يجعل الله فيه سعي الشيعة مشكوراً، وذنوبهم مغفوراً، وعملهم مقبولاً.

غدیر روزی است که هر کس در آن روز عبادت خدا را بجای آورده - و بنا بر نقلی: آن را عید قرار داده - و بر خود، خانواده و برادران دینی توسعه دهد، خدا بر ثروتش افزوده و او را از آتش جهنم آزاد نماید.

عید غدیر روزی است که خدا از سعی و تلاش شیعه تشکر نماید، گناهانشان را بیامرزد و کار نیک آنها را بپذیرد.

۱. و بنا بر نسخه دیگر: (ارحام و بستگانش).

۱۵. برخی از نام‌ها و فضیلت‌های روز غدیر

وهو يوم تنفيس الكرب، ويوم تحطيط الوزر، ويوم الحباء والعطية، ويوم نشر العلم، ويوم البشارة، والعيد الأكبر، ويوم يستجاب فيه الدعاء، ويوم الموقف العظيم، ويوم لبس الثياب ونزع السواد، ويوم الشرط المشروط، ويوم نفي الهموم [الغموم]، ويوم الصفح عن مذنبى شيعة أمير المؤمنين، وهو يوم السبقة، ويوم إكثار الصلاة على محمد وآل محمد [صلوات الله عليهم اجمعين]، ويوم الرضا، ويوم عيد أهل بيت محمد [عليهم السلام]، ويوم قبول الأعمال، ويوم طلب الزيادة، ويوم استراحة المؤمنين، ويوم المتاجرة، ويوم التوّدّد، ويوم الوصول إلى رحمة الله، ويوم التزكية، ويوم ترك الكبائر والذنوب، ويوم العبادة.

عید غدیر روز زدودن و برطرف ساختن اندوه، روز محو گناه، روز بخشش و عطا، روز انتشار دانش، روز بشارت، بزرگ‌ترین عید، روز استجاب دعا و نیایش، روز موقف عظیم، روز پوشیدن لباس (نو و فاخر) و کنار گذاشتن لباس سیاه، روز شرط مشروط^۱، روز دوری از غم و غصه، روز عفو و گذشت از گنهکاران شیعه، روز گرفتن جایزه مسابقه، روز بسیار صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله، روز خوشنودی، روز عید خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، روز پذیرفته شدن اعمال، روز درخواست افزونی، روز آسودگی اهل ایمان، روز بازرگانی و تجارت (آخرت)، روز محبت کردن و مهر

۱. شاید اشاره باشد به اینکه ولایت شرط توحید و قبولی همه اعمال است.

ورزیدن، روز رسیدن به رحمت خدا، روز تزکیه (و تحصیل طهارت و پاکیزگی)، روز کنار گذاشتن کبائر و گناهان و روز عبادت و بندگی خدا است.

۱۶. پاداش عظیم افطاری دادن و خرج کردن در روز غدیر

و یوم تفتیر الصائمین ، فمن فطّر فيه صائماً مؤمناً کان کمن أطمع فتاماً و فتاماً .. إلى أن عدّ عشرأ .

ثم قال : أو تدري ما الفتام ؟ قال : لا ، قال : مائة ألف .

عید غدیر روز افطاری دادن به روزه‌داران است. هر کس مؤمن روزه‌داری را افطار دهد مانند آن است که یک میلیون نفر را اطعام کرده باشد.

۱۷. تبریک و تهنیت روز غدیر

وهو یوم التهنئة - یعنی بعضکم بعضاً - فإذا لقي المؤمن أخاه یقول: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

عید غدیر روز تبریک و تهنیت است، پس هنگام دیدار برادران مؤمن بگویند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

یعنی: سپاس خدای را که ما را از تمسک‌کنندگان به ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم علیهم السلام قرار داد.

۱۸. غدیر روز تبسم

وهو یوم التبسم في وجوه الناس من أهل الايمان ، فمن تبسم في وجه أخيه يوم الغدير نظر الله إليه يوم القيامة بالرحمة ، وقضى له ألف حاجة ، وبنى له قصرأ في الجنة من درة بيضاء ، ونصّر وجهه .

عید غدیر روز تبسم هنگام ملاقات اهل ایمان است، هر کس روز عید غدیر در برخورد با برادر دینی اش تبسم نماید، خداوند در قیامت با مهربانی به او نظر کند، و هزار حاجت او را روا سازد و در بهشت برای او قصری از درّ سفید بنا نماید، و چهره اش را زیبا و درخشان و خرم گرداند.

۱۹. آراستن در عید غدیر

وهو یوم الزينة ، فمن تزین لیوم الغدير غفر الله له كل خطيئة عملها ، صغيرة أو كبيرة ، وبعث الله إليه ملائكة یکتبون له الحسنات ، ویرفعون له الدرجات إلى قابل مثل ذلك اليوم ، فإن مات شهیدأ وإن عاش سعیدأ .

عید غدیر روز تزیین و آراستن است.

هر کس برای روز غدیر خویش را بیاراید و زینت نماید، خدا همه گناهانش را - از کوچک و بزرگ - ببامرزد، و فرشتگانی را برانگیزد که کارهای نیک او را ثبت نمایند، و درجات او را بالا برند تا عید غدیر سال آینده، پس اگر بمیرد شهید از دنیا رفته و اگر زنده بماند زندگی سعادت‌مندانه و همراه با خوشبختی داشته باشد.

وعرضها على الجبال فأول جبل أقرّ بذلك ثلاثة جبال : جبل العقيق ، وجبل الفيروزج ، وجبل الياقوت ، فصارت هذه الجبال جبالهنّ وأفضل الجواهر ، ثم سبقت إليها جبال آخر ، فصارت معادن الذهب والفضة ، وما لم يقرّ بذلك ولم يقبل صارت لا تنبت شيئاً .

وعرضت في ذلك اليوم على المياه فما قبل منها صار عذباً وما أنكر صار ملحاً أجاجاً .

وعرضها في ذلك اليوم على النبات فما قبله صار حلواً طيباً ، وما لم يقبل صار مُرّاً .

ثم عرضها في ذلك اليوم على الطير فما قبلها صار فصيحاً مصوّتاً ، وما أنكرها صار أخرس مثل اللّكن .

خداوند تعالی روز عید غدیر ولایت را بر اهل آسمان‌ها عرضه داشت، اهل آسمان هفتم به آن سبقت گرفتند؛ لذا آن را به عرش زینت داد. سپس اهل آسمان چهارم به آن سبقت گرفتند، آن را به بیت‌المعمور آراست و پس از آن آسمان دنیا ولایت را پذیرفت لذا آن را به ستارگان تزیین نمود.

پس از آن خداوند ولایت را بر زمین‌ها عرضه داشت، مکه گوی سبقت را در پذیرفتن ربود؛ لذا آن را به کعبه آراست، سپس مدینه، پس آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله مزین نمود، و پس از آن کوفه، لذا آن را به امیر مؤمنان علیه السلام مفتخر کرد.

خداوند ولایت را بر کوه‌ها [نیز] عرضه داشت، اولین کوه‌هایی که به ولایت اعتراف نمود عقیق، فیروزه و یاقوت بود، لذا آن کوه‌ها معدن این سنگ‌های

۲۰. اطعام مؤمنان در روز غدیر

ومن أطعم مؤمناً كان كمن أطعم جميع الأنبياء والصديقين .

هر کس روز عید غدیر مؤمنی را اطعام نماید مانند آن است که همه پیامبران و صدیقان را اطعام کرده باشد.

۲۱. دیدار اهل ایمان در عید غدیر

ومن زار فيه مؤمناً أدخل الله قبره سبعين نوراً، ووسّع في قبره ، ويزور قبره كل يوم سبعون ألف ملك وبيشرونه بالجنة .

هر کس روز عید غدیر به دیدار مؤمنی رود، خدا هفتاد نور در قبرش وارد نماید، و قبر او را توسعه دهد و هر روز هفتاد هزار فرشته به زیارت قبرش روند و او را بشارت به بهشت دهند.

۲۲. عرضه ولایت بر جمیع اشیا در روز غدیر

وفي يوم الغدير عرض الله الولاية على أهل السماوات السبع فسبق إليها أهل السماء السابعة فزین بها العرش ، ثم سبق إليها أهل السماء الرابعة فزینها بالبیت المعمور ، ثم سبق إليها أهل السماء الدنيا فزینها بالكواكب .

ثم عرضها على الأرضين فسبقت مكة فزینها بالكعبة ، ثم سبقت إليها المدينة فزینها بالمصطفى محمد صلی الله علیه وآله ، ثم سبقت إليها الكوفة فزینها بأمير المؤمنين عليه السلام .

قیمتی شده و از بقیه جواهرات برتر گردیدند. سپس کوه‌های دیگر به ولایت سبقت گرفتند و معدن طلا و نقره شدند و هر کدام که آن را پذیرفت چیزی با ارزش و قابل عرضه ندارد.

روز غدیر ولایت بر آب‌ها عرضه شد، هر یک پذیرفت گوارا؛ و هر کدام انکار نمود شور و تلخ گردید.

روز غدیر ولایت بر گیاهان و رویدنی‌ها عرضه شد، هر کدام پذیرفت شیرین و خوشمزه؛ و هر کدام نپذیرفت تلخ گردید.

سپس خداوند ولایت را بر پرندگان عرضه داشت، هر کدام پذیرفت نغمه‌خوان و هر کدام انکار کرد گنگ شد مانند کسی که لکنت زبان دارد.

۲۳. مثل فرشته‌ها به برکت غدیر

وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قُبُولِهِمْ وِلَاءَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ غَدِيرِ خَمِّ كَمَثَلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سَجُودِهِمْ لِأَدَمَ، وَمَثَلُ مَنْ أَبِيْ وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ مَثَلُ إِبْلِيسَ .

مؤمنین در پذیرفتن ولایت امیرمؤمنان علیه السلام در غدیر خم مانند فرشتگان هستند که بر آدم سجده نمودند و هر کس ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را در غدیر انکار کرد شبیه ابلیس است!

۲۴. احترام پیامبران علیهم السلام به عید غدیر

وفي هذا اليوم أنزلت هذه الآية: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ [المائدة (۵): ۳]، وما بعث الله نبياً إلا وكان يوم بعثه مثل يوم الغدير عنده، وعرف حرمة إذ نصب لأئمة وصياً وخليفة من بعده في ذلك اليوم .

در روز عید غدیر آیه شریفه: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...) نازل گشت. خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن‌که روز مبعثش را مانند روز غدیر قرار داد، و حرمت غدیر را شناخت به اینکه وصی و جانشین خویش را در آن روز نصب نمود.

● روایت سوم

۲۵. تغییر چهره زندگی در روز غدیر

حدَّثَنَا الْفَيَاضُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ [الطُّرْسُوسِيُّ] ^۱ بِطُوسِ سَنَةِ تِسْعٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ - وَقَدْ بَلَغَ التَّسْعِينَ - : أَنَّهُ شَهِدَ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ ، وَبَحَضْرَتِهِ جَمَاعَةٌ مِنْ خَاصَّتِهِ ، قَدْ احْتَبَسَهُمْ لِلْإِفْطَارِ ، وَقَدْ قَدَّمَ إِلَى مَنَازِلِهِمُ الطَّعَامَ ، وَالْبُرَّ ، وَالصَّلَاتَ ، وَالْكَسْوَةَ حَتَّى الْخَوَاتِيمَ وَالنِّعَالَ ، وَقَدْ غَيَّرَ مِنْ أَحْوَالِهِمْ وَأَحْوَالِ حَاشِيَتِهِ ، وَجَدَّدَتْ لَهُ آلَةَ غَيْرِ الْآلَةِ الَّتِي جَرَى الرَّسْمُ بِابْتِدَائِهَا قَبْلَ يَوْمِهِ ، وَهُوَ يَذْكَرُ فَضْلَ الْيَوْمِ وَقَدَّمَهُ .

فَيَاضُ طُوسِيٌّ كَوَيْدٌ: رَوْزِ عِيدِ غَدِيرِ مُحَضَّرِ مَبَارَكِ حَضْرَتِ ثَامَنِ الْحَجَّجِ علیه السلام رَسِيدِمُ، حَضْرَتِ جَمْعِيٍّ اَزْ خَوَاصِّ رَا بَرَايِ افْطَارِ نَگِه دَاشْتِه بُوْد و بَرَايِ خَانَوَادَهٗ اَنَهَا غِذَا، اَنْوَاعِ هَدِيَه و صَلَه، لِبَاسِ، اَنْگِشْتَر و كَفَشِ فَرَسْتَادِه بُوْد .
سِر و وَضْعِ هَمَهٗ اطْرَافِيَانِ (بِه دَسْتُورِ حَضْرَتِ) عَوْضِ شَدِه بُوْد و اَسْبَابِ و اَلَاتِ مَنَزَلِ نَبِزِ تَغْيِيرِ كَرْدِه بُوْد (هَمَه بَا لِبَاسِ نُو و فَاخِرِ، و اَشْيَاءِ مَوْجُودِ دَرِ خَانِه نَبِزِ نُو و جَدِيدِ بُوْد).

حضرت برای آنها فضیلت و سابقه عید غدیر را بیان می فرمود.

۱. فَيَاضُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، مَحْدَثُ طُوسٍ دَرِ قَرْنِ سَوْمِ هَجْرِيٍّ بُوْدِه اَسْت . (مَسْتَدْرَكَاتِ عِلْمِ الرِّجَالِ ۶/۲۲۸).

مصادر روایت : رجوع شود به مصباح المتعجد ۷۵۲ - ۷۵۸ ، مصباح الزائر ۱۵۶ - ۱۶۰ ، اقبال ۲/۲۵۴ - ۲۶۰ (چاپ سنگی : ۴۶۱ - ۴۶۴) ، مصباح شیخ کفعمی ۶۹۵ - ۷۰۱ ، مناقب ۲/۲۴۳ ، وسائل ۱۰/۴۴۴ - ۴۴۵ ، بحار ۳۷/۱۶۴ و ۹۴/۱۱۲ - ۱۱۸ ، عوالم ۱۵/۱۱۸ ، ۲۰۹ ، ۲۲۱ .

۲۶. خطبه امیرمؤمنان علیه السلام به مناسبت بزرگداشت غدیر

فَكَانَ مِنْ قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَدَّثَنِي الْهَادِي أَبِي ، قَالَ : حَدَّثَنِي جَدِّي الصَّادِقُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي الْبَاقِرُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي سَيِّدُ الْعَابِدِينَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : اتَّفَقَ فِي بَعْضِ سَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْجُمُعَةَ وَالْغَدِيرَ ، فَصَعَدَ الْمَنْبِرَ عَلَى خَمْسِ سَاعَاتٍ مِنْ نَهَارِ ذَلِكَ الْيَوْمِ ، فَحَمَدَ اللَّهَ ، وَأَثْنَى عَلَيْهِ حَمْدًا لَمْ يَسْمَعْ بِمِثْلِهِ ، وَأَثْنَى عَلَيْهِ مَا [بِمَا] لَمْ يَتَوَجَّهْ إِلَيْهِ غَيْرَهُ .

از جمله فرمایش های امام هشتم علیه السلام این بود که از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل فرمود که در دوران [خلافت ظاهری] امیرمؤمنان علیه السلام ، سالی روز عید غدیر با جمعه مصادف شده بود، آن حضرت بر فراز منبر قرار گرفت و حمد و ثنای الهی را چنان بر زبان مبارک جاری ساخت که کسی مانند آن را نشنیده بود .

فَكَانَ مِمَّا حَفِظَ مِنْ ذَلِكَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ عَلَى عِبَادِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى حَامِدِيهِ، وَطَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْاِعْتِرَافِ بِأَهْوِيَّتَيْهِ وَصَمَدَانِيَّتَيْهِ وَرَبَّانِيَّتَيْهِ وَفَرْدَانِيَّتَيْهِ، وَسَبَبًا إِلَى الْمَزِيدِ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَمَحَجَّةً لِلطَّلَبِ مِنْ فَضْلِهِ، وَكَمْنَ فِي إِنْطَانِ اللَّفْظِ حَقِيقَةً الْاِعْتِرَافِ لَهُ بِأَنَّهُ الْمُنْعَمُ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ بِاللَّفْظِ وَإِنْ عَظُمَ .

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةً نَزَعَتْ عَنْ إِخْلَاصِ الْمَطْوِيِّ [الطُّوِي]، وَتُنْقُ اللَّسَانِ بِهَا عِبَارَةً عَنْ صِدْقِ خَفِيِّ، أَنَّهُ الْخَالِقُ الْبَدِيءُ الْمُصَوِّرُ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، إِذْ [إِذَا] كَانَ الشَّيْءُ مِنْ مَسْبَبِيَّتَيْهِ، وَكَانَ لَا يُشْبِهُهُ مَكُونُهُ .

وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اسْتَخْلَصَهُ فِي الْقَدَمِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، عَلَى عِلْمٍ مِنْهُ بِهِ [بِأَنَّهُ] انْفَرَدَ عَنِ التَّشَاكُلِ وَالتَّمَثُّلِ مِنْ أُنْبَاءِ الْجِنْسِ، وَأَتَمَّنَهُ [اِئْتَجَبَهُ] أَمْرًا وَنَاهِيًا عَنْهُ، أَقَامَهُ فِي سَائِرِ عَالَمِهِ فِي الْأَدَاءِ مَقَامَهُ؛ إِذْ كَانَ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ، وَلَا تَحْوِيهِ حَوَاطِرُ الْأَفْكَارِ، وَلَا تُمَثِّلُهُ عَوَاضُ الظُّنَنِ فِي الْأَسْرَارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْعَبَّارُ.

قَرَنَ الاعْتِرَافَ بِنُبُوَّتِهِ بِالاعْتِرَافِ بِلَاهُوتِيَّتِهِ، وَاخْتَصَّهُ مِنْ تَكْرِمَتِهِ بِمَا لَمْ يَلْحَقْهُ فِيهِ أَحَدٌ مِنْ بَرِيَّتِهِ، فَهَلْهَلْ [فَهُوَ أَهْلُ] ذَلِكَ بِخَاصَّتِيهِ وَخَلَّتِيهِ، إِذْ لَا يَخْتَصُّ مَنْ يَشُوبُهُ التَّغْيِيرُ، وَلَا يَخَالِلُ مَنْ يَلْحَقُهُ التَّظْنِينُ.

وَأَمَرَ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ مَزِيدًا فِي تَكْرِمَتِهِ، وَتَطْرِيقًا [طَرِيقًا] لِلدَّاعِي إِلَى إِجَابَتِهِ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَرَّمَ وَشَرَّفَ وَعَظَّمَ مَزِيدًا لَا يَلْحَقُهُ التَّنْفِيدُ، وَلَا يَنْقَطِعُ عَلَى التَّأْيِيدِ.

وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَصَّ لِنَفْسِهِ بَعْدَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ خَاصَّةً عَلَيْهِمْ بِتَعْلِيَّتِهِ، وَسَمَّا [سَارَ] بِهِمْ إِلَى رُتْبَتِهِ، وَجَعَلَهُمُ الدُّعَاةَ بِالْحَقِّ إِلَيْهِ، وَالْأَدِلَاءَ بِالْإِزْشَادِ عَلَيْهِ، لِقَرْنِ قَرْنٍ وَزَمَنِ زَمَنِ، أَنْشَأَهُمْ فِي الْقَدَمِ قَبْلَ كُلِّ مَذْرُوعٍ وَمَسْبُوعٍ، أَنْوَارًا أَنْطَقَهَا بِتَحْمِيدِهِ، وَالْهَمَهَا بِشُكْرِهِ [عَلَى شُكْرِهِ] وَتَمَجِيدِهِ، وَجَعَلَهَا الْحُجَجَ لَهُ عَلَى كُلِّ مُعْتَرِفٍ لَهُ بِمَلَكَةِ [بِمَلَكُوتِ] الرُّبُوبِيَّةِ وَسُلْطَانِ الْعُبُودِيَّةِ، وَاسْتَنْطَقَ بِهَا الْخُرْسَانَ [الْخُرْسَاتِ] بِأَنْوَاعِ اللُّغَاتِ،

بُخُوْعًا لَهُ بِأَنَّهُ فَاطِرُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، وَأَشْهَدَهُمْ [اشْتَشْهَدَهُمْ] خَلْفَهُ، وَوَلَاهُمْ مَا شَاءَ مِنْ أَمْرِهِ، جَعَلَهُمْ تَرَاجِمَةً [تَرَاجِمَ] مَشِيَّتِهِ وَاللِّسْنَ إِزَادَتِهِ، عَبِيدًا * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ * يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أِزْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ * [الأنبياء (٢١): ٢٧ - ٢٨]

يَحْكُمُونَ بِأَحْكَامِهِ، وَيَسْتُونَ سُنَّتَهُ [يَسْتُنُّونَ سُنَّتَهُ]، وَيَعْتَمِدُونَ حُدُودَهُ، وَيُؤَدُّونَ فُرُوضَهُ [فَرَضَهُ]، وَلَمْ يَدْعِ الْخَلْقَ فِي بِهِمْ صَمَاءَ [صَمَاءً]، وَلَا فِي عَمَى بَكْمَاءَ [بِكَمَاءً]، بَلْ جَعَلَ لَهُمْ عَقُولًا مَا رَجَتْ شَوَاهِدُهُمْ، وَتَفَرَّقَتْ فِي هَيَاكِلِهِمْ، وَحَقَّقَهَا فِي نُفُوسِهِمْ، وَاسْتَعْبَدَ [اسْتَعَدَّ] لَهَا حَوَاسِيَهُمْ، فَفَرَّتْ [فَقَرَّتْ] بِهَا عَلَى أَسْمَاعِ وَنَوَاطِرِ وَأَفْكَارِ وَخَوَاطِرِ، أَلَزَمَهُمْ بِهَا حُجَّتَهُ، وَأَرَاهُمْ بِهَا مَحَجَّتَهُ، وَأَنْطَقَهُمْ عَمَّا تَشْهَدُ بِهِ [شَهَدْتَهُ] بِاللِّسَنَةِ ذَرْبَةً بِمَا قَامَ فِيهَا مِنْ قُدْرَتِهِ وَحِكْمَتِهِ، وَبَيَّنَّ بِهَا عِنْدَهُمْ بِهَا * لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ * [الأنفال (٨): ٤٢] بِصِيرٍ، شَاهِدٌ خَبِيرٌ.

وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمَعَ لَكُمْ - مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ - فِي هَذَا الْيَوْمِ عِيدَيْنِ عَظِيمَيْنِ كَبِيرَيْنِ، لَا يَقُومُ أَحَدُهُمَا إِلَّا بِصَاحِبِهِ، لِيُكْمَلَ أَحَدُكُمْ صُنْعُهُ [لِيُكْمَلَ لَكُمْ] عِنْدَكُمْ جَمِيلَ صُنْعِهِ، وَيَقْفَكُمْ عَلَى طَرِيقِ رُشْدِهِ، وَيَقْفُوَ بِكُمْ آثَارَ الْمُسْتَضِيِّينَ بِنُورِ هِدَايَتِهِ، وَيُسْمِلَكُمْ صَوْلُهُ، وَيَسْلُكُ بِكُمْ مِنْهَا جَ قَصْدِهِ، وَيُوفِّرُ عَلَيْكُمْ هَنِيءَ رِفْدِهِ، فَجَعَلَ الْجُمُعَةَ مَجْمَعًا نَدَبَ إِلَيْهِ لِتَطْهِيرِ مَا كَانَ قَبْلَهُ، وَعَسَلَ مَا

وَبَقِيَتْ [تَفَتَّتْ] حُتَالَةٌ مِنَ الضُّلَّالِ لَا يَأْلُونَ النَّاسَ خَبَالًا، يَقْصِدُهُمُ اللَّهُ فِي دِيَارِهِمْ، وَيَمْحُو آثَارَهُمْ، وَيَبِيدُ مَعَالِمَهُمْ، وَيُعَقِّبُهُمْ عَن قُرْبِ الْحَسَرَاتِ، وَيُلْحِقُهُمْ بِمَن بَسَطَ أَكْفَهُمْ، وَمَدَّ أَعْنَاقَهُمْ، وَمَكَّنَهُمْ مِنْ دِينِ اللَّهِ حَتَّى بَدَّلُوهُ، وَمِنْ حُكْمِهِ حَتَّى غَيَّرُوهُ، وَسَيَّأْتِي نَصْرُ اللَّهِ عَلَى عَدُوِّهِ لِحِينِهِ، وَاللَّهُ لَطِيفٌ حَبِيرٌ.

وَفِي دُونِ مَا سَمِعْتُمْ كِفَايَةً وَبَلَاغٌ، فَتَأَمَّلُوا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - مَا نَدَبَكُمُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَحَتَّكُمُ عَلَيْهِ، وَأَفْصِدُوا شَرْعَهُ، وَأَسْلِكُوا نَهْجَهُ، ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ﴾ [الأنعام (۶): ۱۵۳].

سپس امام هشتم علیه السلام به نقل بخشی از آن کلمات نورانی که برای مردم به یادگار مانده بود پرداختند که ما به اختصار به فرازهایی از آن اشاره می‌کنیم.^۱

خلاصه آن‌که امیرمؤمنان علیه السلام - پس از حمد و ثنای الهی، شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مدح و ستایش آن حضرت، درود و صلوات بر آن جناب، اشاره به مقام و منزلت امامان معصوم علیهم السلام، تقدّم خلقت نوری آنان بر همه مخلوقات، تمجید و ستایش نمودن آنان پروردگار را در عالم نورانیت، هم‌رتبه بودن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم [در غیر نبوت]، حجّت بودن از سوی خداوند، شاهد و گواه بودن بر آفرینش، واگذاری امور به آنان، بیان کردن مشیت و اراده خدا، واسطه فیض بودن، عبادت و بندگی، بیان و اجرای دقیق احکام و قوانین و سنن الهی و برپاداشتن فرائض و ... - فرمود:

أَوْعَتْهُ مَكَاسِبُ السَّوِّءِ مِنْ مِثْلِهِ إِلَى مِثْلِهِ، وَذَكَرَى لِلْمُؤْمِنِينَ، وَتَبَيَّنَ خَشِيَةَ الْمُتَّقِينَ، وَوَهَبَ لِأَهْلِ طَاعَتِهِ فِي الْأَيَّامِ قَبْلَهُ، وَجَعَلَهُ لَا يَتِيمٌ إِلَّا بِالِاتِّمَارِ لِمَا أَمَرَ بِهِ، وَالِانْتِهَاءِ عَمَّا نَهَى عَنْهُ، وَالْبُخُوعِ بِطَاعَتِهِ فِيمَا حَثَّ عَلَيْهِ وَنَدَبَ إِلَيْهِ.

وَلَا يَقْبَلُ تَوْحِيدَهُ إِلَّا بِالْاعْتِرَافِ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسُبُوتِهِ، وَلَا يَقْبَلُ دِينًا إِلَّا بِوَلَايَةِ مَنْ أَمَرَ بِوَلَايَتِهِ، وَلَا يَنْتَظِمُ أَسْبَابَ طَاعَتِهِ إِلَّا بِالْتَّمَسُّكِ بِعِصْمِهِ وَعِصْمِ أَهْلِ وَوَلَايَتِهِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي يَوْمِ الدَّوْحِ مَا بَيَّنَّ بِهِ عَنْ إِزَادَاتِهِ فِي خُلُصَائِهِ وَذَوِي اجْتِنَابِهِ، وَأَمَرَهُ بِالْبَلَاغِ، وَتَرَكَ الْحَفْلَ بِأَهْلِ الرِّبِّغِ وَالنَّفَاقِ، وَضَمَّنَ لَهُ عِصْمَتَهُ مِنْهُمْ، وَكَشَفَ مِنْ خَبَايَا أَهْلِ الرِّيبِ وَضَمَائِرِ أَهْلِ الْأَزْتَادِ مَا رَمَرَ فِيهِ، فَعَقَلَهُ الْمُؤْمِنُ وَالْمُنَافِقُ، فَأَعَنَّ مَعْنُ، وَتَبَتَّ عَلَى الْحَقِّ ثَابِتٌ، وَازْدَادَتْ جَهَالَةُ الْمُنَافِقِ وَحَمِيَّةُ الْمَارِقِ، وَوَقَعَ الْعُضُّ عَلَى التَّوَّاجِدِ، وَالْعَمْرُ [الْعَمْرُ] عَلَى السَّوَاعِدِ، وَنَطَقَ نَاطِقٌ، وَنَعَقَ نَاعِقٌ، وَنَشِقَ نَاشِقٌ، وَاسْتَمَرَ عَلَى مَارِقِيَّتِهِ مَارِقٌ، وَوَقَعَ الْإِدْعَانُ مِنْ طَائِفَةِ بِلِّلسَانِ دُونَ حَقَائِقِ الْإِيْمَانِ، وَمِنْ طَائِفَةِ بِلِّلسَانِ وَصِدْقِ الْإِيْمَانِ، فَكَمَّلَ اللَّهُ دِينَهُ، وَأَقَرَّ عَيْنَ نَبِيِّهِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُتَابِعِينَ، وَكَانَ مَا قَدْ شَهِدَهُ بَعْضُكُمْ، وَبَلَغَ بَعْضُكُمْ، وَتَمَّتْ كَلِمَةُ اللَّهِ الْحُسْنَى عَلَى الصَّابِرِينَ، وَدَمَّرَ اللَّهُ مَا صَنَعَ فِرْعَوْنُ وَهَامَانُ وَقَارُونُ وَجُنُودُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ.^۱

۱. اقتباسی است از آیه شریفه: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ [الأعراف (۷): ۱۳۷].

۱. شرح کامل این خطبه خارج از حوصله این جزوه و توان این ناچیز است.

۲۷. اوصاف عید غدیر از زبان امیر غدیر

ثم قال (ع): إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ، فِيهِ وَقَعَ الْفَرَجُ، وَرُفِعَتِ الدَّرَجُ، وَوَضَحَتِ الْحُجَجُ.

وَهُوَ يَوْمٌ الْإِيضَاحِ وَالْإِفْصَاحِ مِنْ [عَنِ] الْمَقَامِ الصَّرَاحِ، وَيَوْمٌ كَمَالِ الدِّينِ، وَيَوْمٌ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَيَوْمٌ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ، وَيَوْمٌ تَبْيَانِ الْعُقُودِ عَنِ النِّفَاقِ وَالْجُحُودِ، وَيَوْمٌ السَّبِيانِ عَنِ حَقَائِقِ الْإِيْمَانِ، وَيَوْمٌ دَحْرِ الشَّيْطَانِ، وَيَوْمُ الْبُرْهَانِ.

﴿ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴾^۱ [الصافات (۳۷): ۲۱].

هَذَا يَوْمُ الْمَلَأِ الْأَعْلَى الَّذِي أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ.

هَذَا يَوْمُ الْإِزْشَادِ، وَيَوْمُ مِخْنَةِ الْعِبَادِ، وَيَوْمُ الدَّلِيلِ عَلَى الرُّوَادِ.

هَذَا يَوْمٌ إِبْدَاءِ حَفَايَا الصُّدُورِ وَمُضْمَرَاتِ الْأُمُورِ.

هَذَا يَوْمُ النَّصُوصِ عَلَى أَهْلِ الْخُصُوصِ.

هَذَا يَوْمٌ شَيْثٍ، هَذَا يَوْمٌ إِدْرِيسَ، هَذَا يَوْمٌ يُوشَعَ، هَذَا يَوْمٌ شَمْعُونَ.

هَذَا يَوْمُ الْأَمْنِ وَالْمَأْمُونِ.

هَذَا يَوْمٌ إِظْهَارِ الْمَصُونِ مِنَ الْمَكْنُونِ.

هَذَا يَوْمٌ بَلَوَى [إِبْلَاءَ - إِبْدَاءِ] السَّرَائِرِ.

فَلَمْ يَزَلْ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: هَذَا يَوْمٌ ... هَذَا يَوْمٌ ...

خداوند توحید را جز با اقرار به نبوت پیامبر (ص)، و دین را جز با اعتقاد به ولایت (و پذیرفتن سرپرستی) کسانی که دستور به ولایت آنها داده نمی پذیرد، و اسباب فرمانبرداری او جز با تمسک به ولایت اهل بیت (ع) میسر نمی گردد.

خدا در روز عید غدیر آیاتی بر پیامبرش نازل فرمود که اراده اش را درباره خالصان برگزیده اش (پیشوایان معصوم (ع)) آشکار نمود. به آن حضرت دستور ابلاغ ولایت و بی اعتنایی به گمراهان و منافقان را داد و تضمین نمود که آن حضرت را از شر آنها محافظت نماید، و [در آن آیات] پرده از باطن و نهان اهل شک و تردید و ارتداد برداشت به نحوی که اهل ایمان و اهل نفاق همگی آن را درک نمودند. برخی اعراض کرده و از دین برگشتند، بعضی ثابت ماندند، نادانی منافقان و حمیت و تعصب از دین برگشتگان شدت گرفت، و عده ای هم [فقط] به زبان تصدیق نموده و ایمان حقیقی نداشتند.

خداوند دینش را کامل و چشم پیامبر (ص) و مؤمنان و پیروانشان را روشن نمود و آنچه فرعون و هامان و قارون و لشکریانش ساخته [و پرداخته] بودند نابود کرد. [البته] گروهی از گمراهان [هنوز] باقی مانده اند که از هیچ فساد و شری فروگذار نمی کنند [اشاره به معاویه و پیروانش] خداوند آثارشان را محو نموده و آنها را به کسانی ملحق می کند که [اساس ظلم و ستم را نهاده و] دست اینها را باز گذاشته و باعث گردنکشی ایشان شدند و بر دین خدا به نحوی مسلط گردیدند که توانستند آن را تغییر دهند و (البته) نصرت و یاری خداوند هنگامی که زمانش فرا رسد خواهد آمد (اشاره به فرج امام زمان (ع)).

در آنچه خدا فرموده تأمل کرده و بیندیشید و راههای [انحرافی] دیگر را

نیمایید که از راه خدا جدا می شوید.

۱. در مصادر متعدد به جای (به تکذیبون) لفظ: (توعدون) آمده، و بنا بر آن، آیه نیست.

الْكَوْفِرِ، وَلَا يَجْنَحُ بِكُمْ الْعَيْ فَتَضَلُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِاتِّبَاعِ أَوْلِيكُمُ الَّذِينَ ضَلُّوا وَأَضَلُّوا. قَالَ اللَّهُ - عَزَّ مِنْ قَائِلٍ فِي طَائِفَةٍ ذَكَرَهُمُ بِالذِّمِّ فِي كِتَابِهِ - : ﴿ إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا * رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ لَعْنًا كَبِيرًا ﴾ [الأحزاب (۳۳)]:
۶۷ - ۶۸].

وَقَالَ تَعَالَى : ﴿ وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتُونَ عَنَّا [نَصِيبًا مِنَ النَّارِ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴾ [غافر (۴۰): ۴۷ - ۴۸].

وَقَالَ تَعَالَى : ﴿ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتُونَ عَنَّا^۱ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ ﴾ [إبراهيم (۱۴): ۲۱].

أَفْتَدُرُونَ الْاسْتِكْبَارَ مَا هُوَ؟! هُوَ تَرْكُ الطَّاعَةِ لِمَنْ أَمْرًا بِطَاعَتِهِ، وَالتَّرَفُّعُ عَلَيَّ مَنْ نَدَبُوا إِلَيَّ مُتَابِعَتِهِ، وَالْقُرْآنُ يَنْطِقُ مِنْ هَذَا عَنْ كَثِيرٍ، إِنَّ تَدَبُّرَهُ مُتَدَبِّرٌ رَجْرَهُ وَوَعظُهُ.

وَاعْلَمُوا - أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ - أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ : ﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْضُوصٌ ﴾ [الصف (۶۱): ۴].

۱. بخشی از آیات که بین گروه قرار دارد - یعنی از [نصیباً مِنَ النَّارِ ...] تا اینجا - از مصادر ساقط شده که ممکن است اشتباه از نسخ یا راویان حدیث باشد.

پس از آن، امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: روز غدیر مقامی بس عظیم دارد، فرج و گشایش در آن واقع شد، درجات و مراتب بالا رفت و حجت‌ها (و برهان‌ها) آشکار گشت.

غدیر روز بیان و روشن شدن مقام خالص و ناب (ولایت) است. روز کامل شدن دین، روز پیمان معهود، روز شاهد و مشهود، روز معلوم شدن [وفای به] پیمان از نفاق و انکار، روز بیان حقایق ایمان، روز دور شدن شیطان، روز برهان، روز جدایی (حق از باطل) که آن را تکذیب می‌کردید - و بنابر نقلی: به آن وعده داده شده بودید - و روز ملاءعلی است که از آن روی‌گردان بودید.

غدیر روز ارشاد، روز آزمایش بندگان، روز راهنمایی به راهنمایان، روز کشف اسرار سینه‌ها و امور پنهان و روز نص و تصریح به نام خاصان پروردگار است.

غدیر روز شیت، روز ادریس، روز یوشع و روز شمعون است.

غدیر روز امن و امان، روز اظهار سر مصون پنهان و روز امتحان باطن افراد است. سپس حضرت مکرر می‌فرمود: امروز روز... امروز روز... (و اوصاف روز عید غدیر را بیان می‌نمود).

۲۸. تأکید بر پیروی از اهل بیت علیهم السلام در کلام امیر غدیر

ثم قال علیه السلام : فَرَأَيْتُمَا اللَّهَ وَاتَّقَوْهُ، وَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوهُ، وَاحْذَرُوا الْمَكْرَ وَلَا تُخَادِعُوهُ، وَفَتَّشُوا صَمَائِرَكُمْ وَلَا تُؤَارِبُوهُ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْحِيدِهِ، وَطَاعَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ أَنْ تُطِيعُوهُ، لَا تُنْسِكُوا بِعِصَمِ

أَتَذُرُونَ مَا سَبِيلَ اللَّهِ؟ وَمَنْ سَبِيلُهُ؟ وَمَنْ صِرَاطُ اللَّهِ؟ وَمَنْ طَرِيقُهُ؟!
 أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الَّذِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْكَهُ بِطَاعَةِ اللَّهِ فِيهِ هُوَ يَهْدِي بِهِ إِلَى النَّارِ.
 وَأَنَا سَبِيلُهُ الَّذِي نَصَبَنِي لِلتَّبَاعِ بَعْدَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

أَنَا قَسِيمُ النَّارِ، أَنَا حُجَّتُهُ عَلَى الْفَجَّارِ، أَنَا نُورُ الْأَنْوَارِ.

فَأَنْتَهُمَا مِنْ رَقْدَةِ الْعَقْلَةِ، وَبَادِرُوا بِالْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ،
 وَسَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ قَبْلَ أَنْ يُضْرَبَ بِالسُّورِ بِبَاطِنِ
 الرَّحْمَةِ وَظَاهِرِ الْعَذَابِ^۱ فَتُنَادُونَ، فَلَا يُسْمَعُ نِدَاؤُكُمْ، وَتَضِجُونَ
 فَلَا يُحْفَلُ بِضَجِّحِكُمْ، وَقَبْلَ أَنْ تَسْتَعِيثُوا فَلَا تُعَاثُوا، سَارِعُوا إِلَى
 الطَّاعَاتِ قَبْلَ فُوتِ الْأَوْقَاتِ، فَكَأَنَّ قَدْ جَاءَكُمْ هَادِمُ اللَّذَاتِ
 فَلَا مَنَاصَ نَجَاءٍ، وَلَا مَحِيصَ تَخْلِيصٍ.

پس از آن امیر مؤمنان علیه السلام در سفارش به پیروی از اهل بیت علیهم السلام مطالبی فرمود که خلاصه‌اش آن است که: خدا را در نظر بگیرید، تقوا پیشه نموده، به دستورات او گوش فراداده و از او اطاعت کنید و از مکر و حيله پرهیزید و با خدا خدعه مکنید، باطن خویش را درست بررسی کنید که به او نیرنگ مزیند، با یکتاپرستی و پیروی از کسانی که خدا فرموده به او تقرب بجوید و به ولایت کفار [اشاره به خلفای جور] تمسک ننمایید و از راه حق گمراه نشوید به پیروی از کسانی که خود گمراه شده و دیگران را نیز به گمراهی کشاندند که خداوند در مذمت عده‌ای می‌فرماید: [آنان در قیامت می‌گویند:] خدایا ما از

۱. اقتباسی است از آیه شریفه: ﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿﴾ [الحديد (۵۷): ۱۳].

رؤسا و بزرگان خود پیروی کردیم و آنها ما را گمراه نمودند، پس عذاب آنها را دو چندان کن و آنان را به لعنتی بزرگ گرفتار ساز.

و در ضمن آیه‌ای دیگر فرموده: در آتش با یکدیگر مجادله (و احتجاج) نموده، پس ناتوانان به گردنکشان گویند: ما پیرو شما بودیم، آیا می‌توانید چیزی از عذاب را از ما برطرف کنید؟ آنان در پاسخ می‌گویند: همه ما در آتش [معذب] هستیم.

و قریب به همین مضمون در آیه دیگر نیز آمده سپس فرموده: گردنکشان در پاسخ ناتوانان می‌گویند: اگر خدا ما را هدایت کرده بود ما نیز شما را هدایت می‌کردیم.

پس از آن فرمود: آیا می‌دانید استکبار (و گردنکشی) که خدا [در این آیه] فرموده چیست؟ مقصود، ترک پیروی از کسانی که خدا فرمان اطاعت از آنان را صادر فرموده، و برتری جویی نسبت به آنان است! قرآن در این زمینه فراوان سخن گفته که اگر کسی اهل تدبیر باشد برای او موعظه [مفیدی] است. ای اهل ایمان خدا می‌فرماید: خدا کسانی را که در راه او صف بسته - مانند بنایی محکم و استوار - پیکار می‌کنند، دوست دارد.

آیا می‌دانید «سبیل الله» چیست و کیست؟! می‌دانید «صراط خدا» کیست و راه به سوی او چیست؟! من صراط خدایم که هرکس فرمانبرداری خدا را از طریق من بجا نیاورد در آتش جهنم پرتاب شود. من سبیل الله هستم که خدا مرا برای پیروی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نصب نموده است، منم تقسیم کننده دوزخ، منم حجت خدا بر فاجران و من نور الانوار هستم.

الْقُدْرَةَ مِنْ اسْتِطَاعَتِكُمْ، [و] عَلَى حَسَبِ امْكَانِكُمْ، فَالذُّرْهُمْ فِيهِ بِمَائَتِي [بِمِائَةِ] أَلْفِ دِرْهَمٍ، وَالْمَرْيَدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ [مَا لَا دَرْكَ لَهُ].
وَصَوْمُ هَذَا الْيَوْمِ مِمَّا نَدَبَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَجَعَلَ الْجَزَاءَ الْعَظِيمَ كَقَالَهُ
عَنْهُ حَتَّى لَوْ تَعَبَدَ لَهُ عَبْدٌ مِنَ الْعَبِيدِ فِي الشَّيْبَةِ [الشَّيْبَةِ - التَّشْبِيهِ]
مِنْ ابْتِدَاءِ الدُّنْيَا إِلَى انْقِضَائِهَا [تَقْضِيَّتِهَا] صَائِمًا نَهَارًا، قَائِمًا لَيْلًا،
إِذَا أَخْلَصَ الْمُخْلِصُ فِي صَوْمِهِ، لَقُصِّرَتْ إِلَيْهِ أَيَّامُ الدُّنْيَا عَنْ
كَيْفَايَتِهِ.

وَمَنْ أَسْعَفَ أَخَاهُ مُبْتَدئًا، وَرَزَهُ رَاغِبًا، فَلَهُ كَأَجْرِ مَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمَ
وَقَامَ لَيْلَتَهُ.

وَمَنْ فَطَرَ مُؤْمِنًا فِي لَيْلَتِهِ فَكَأَنَّمَا فَطَرَ فِتَامًا وَفِتَامًا بَعْدَهَا [.. يَعْذُهَا
بِيَدِهِ] عَشْرَةً.

فنهض ناهض فقال: يا أمير المؤمنين ما الفتام؟ قال:

مِائَةُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَصِدِّيقٍ وَشَهِيدٍ، فَكَيْفَ بِمَنْ تَكْفَلَ عَدَدًا مِنْ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ؟! فَأَنَا ضَمِينُهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى الْأَمَانَ مِنْ
الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَمَنْ [إِنْ] مَاتَ فِي يَوْمِهِ أَوْ لَيْلَتِهِ أَوْ بَعْدَهُ إِلَى مِثْلِهِ مِنْ
غَيْرِ إِزْكَابٍ كَبِيرَةٍ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ.

وَمَنْ اسْتَدَانَ لِإِخْوَانِهِ وَأَعَانَهُمْ فَأَنَا الضَّامِنُ عَلَى اللَّهِ إِنْ بَقِيَ
قَضَاهُ، وَإِنْ قَبِضَهُ حَمَلَهُ عَنْهُ.

وَإِذَا تَلَاقَيْتُمْ فَتَصَافَحُوا بِالتَّسْلِيمِ، وَتَهَانَوْا^۱ النُّعْمَةَ [بِالنُّعْمَةِ] فِي
هَذَا الْيَوْمِ.

از خواب غفلت بیدار شوید و قبل از رسیدن اجل به عمل مبادرت و رزید و
به آموزش پرودگار سبقت جوید پیش از آن که [فرصت از دست برود و]
هر چه ناله و فریاد کنید کسی به داد شما نرسد و به شما اهمیتی داده نشود، که
گویا منهدم کننده لذت‌ها (مرگ) فرا رسیده و راه چاره و فرار و نجاتی برای
شما باقی نمانده است.

۲۹. آداب عید غدیر از زبان صاحب غدیر

عُودُوا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - بَعْدَ انْقِضَاءِ مَجْمَعِكُمْ بِالتَّوَسُّعَةِ عَلَى عِيَالِكُمْ،
وَالْبِرِّ بِإِخْوَانِكُمْ، وَالشُّكْرِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى مَا مَنَحَكُمْ، وَاجْتَمِعُوا
[وَاجْمَعُوا] يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَكُمْ، وَتَبَارَّوْا يَصِلُ اللَّهُ أَلْفَتَكُمْ،
وَتَهَانَوْا نِعْمَةَ اللَّهِ كَمَا هَنَأَكُمْ [وَتَهَادُوا نِعَمَ اللَّهِ كَمَا مَتَأَكُمْ] اللَّهُ
بِالثَّوَابِ فِيهِ عَلَى أضعافِ الأَعْيَادِ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ إِلَّا فِي مِثْلِهِ.

وَالْبِرُّ فِيهِ يُثْمِرُ الْمَالَ، وَيَزِيدُ فِي الْعُمُرِ، وَالتَّعَاطُفُ فِيهِ يَفْتَضِي
رَحْمَةَ اللَّهِ وَعَطْفَهُ، [فَافْرَحُوا، وَفَرَّحُوا إِخْوَانَكُمْ بِالْبِئَاسِ
الْحَسَنِ، وَالرَّائِحَةَ الطَّيِّبَةَ، وَالطَّعَامَ]، وَهَبُوا [وَهَيُّوْا] لِإِخْوَانِكُمْ
وَعِيَالِكُمْ مِنْ فَضْلِهِ بِالْجُهْدِ مِنْ جُودِكُمْ [بِالْجُودِ مِنْ مَوْجُودِكُمْ]،
وَبِمَا تَنَالَهُ الْقُدْرَةُ مِنْ اسْتِطَاعَتِكُمْ، وَأَظْهَرُوا الْبِشْرَ [الْبُشْرَى] فِيَمَا
بَيْنَكُمْ، وَالسُّرُورَ فِي مَلَاقَاتِكُمْ، وَاحْمَدُوا اللَّهَ [وَالْحَمْدَ لِلَّهِ] عَلَى
مَا مَنَحَكُمْ، وَعُودُوا بِالْمَرْيَدِ مِنَ الْخَيْرِ عَلَى أَهْلِ التَّأْمِيلِ لَكُمْ،
وَسَاوُوا بِكُمْ ضِعْفَاءَكُمْ فِي مَا كَلِكُمْ [وَمِنْ مَلَاحِكُمْ]، وَمَا تَنَالَهُ

۱. در برخی از مصادر لفظ (وتهابوا) بود ولی معنای مناسبی برای آن به نظر نمی‌رسد.

هنگام ملاقات و برخورد با یکدیگر اظهار سرور و خوشحالی نمایید، و خدا را شکر کنید بر نعمتی که به شما ارزانی داشته (از ولایت اهل بیت علیهم السلام).

به کسانی که چشم امید به شما دوخته‌اند خیر بیشتری مبدول دارید، در خوراک با ضعیفان - به قدر امکان و توان - مساوات داشته باشید.

(بدانید که) یک درهم خرج کردن روز عید غدیر برابر با صد یا دویست هزار درهم - بنا بر اختلاف مصادر - در اوقات دیگر است و خداوند بیشتر از آن راهم عنایت می‌کند.

خدا مردم را به روزه این روز دعوت کرده و پاداش عظیمی برای آن قرار داده به نحوی که اگر ممکن بود بنده‌ای از اول دنیا تا انقراض آن، روزها روزه بگیرد و شب‌ها نماز بگزارد، پاداش آن به روزه با اخلاص عید غدیر نمی‌رسد!

هر کس نیاز برادر دینی‌اش را - قبل از اظهار و درخواست او - برآورده سازد و با میل و رغبت به او احسان و نیکی نماید، پاداش روزه روز غدیر و شب زنده‌داری شب آن را خواهد داشت.

هر کس شب آن (شام عید غدیر) مؤمنی را افطاری دهد مانند آن است که ده «فئام» را افطاری داده است ... هر فئام یعنی صد هزار پیغمبر و صدیق و شهید [یعنی برای افطاری یک نفر پاداش افطار یک میلیون پیغمبر و صدیق و شهید دارد] پس اگر کسی گروهی از زنان و مردان با ایمان را افطاری دهد چه پاداشی دارد؟! من ضامنم که خدای تعالی او را از کفر و فقر امان دهد و اگر [کسی] در آن روز و شب یا پس از آن تا عید غدیر سال آینده بمیرد - بدون آن که مرتکب گناه کبیره‌ای شده باشد - پاداش او بر خداست.

وَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرَ الْغَائِبَ وَالشَّاهِدَ الْبَائِنَ، وَلْيُعِدِ الْغَنِيِّ عَلَى الْفَقِيرِ وَالْقَوِيَّ عَلَى الضَّعِيفِ، أَمْرُنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ.

ثم أخذ صلوات الله عليه في خطبة الجمعة وجعل صلاة جمعته صلاة عيده، وانصرف بولده وشيعته إلى منزل أبي محمد الحسن بن علي عليهما السلام بما أعد له من طعامه، وانصرف غنيهم وفقيرهم بر فده إلى عياله.

بنابر نقل امام هشتم، امیر مؤمنان علیه السلام در پایان سخن، در بیان آداب روز عید غدیر فرمود: هنگامی که [به خانه خویش] بازگشتید بر خانواده خویش توسعه دهید. به برادران دینی احسان نمایید، شکر خدا را بر آنچه به شما ارزانی داشته بجای آورید. گرد یکدیگر جمع شوید (از همدیگر دیدار کرده و این روز را عید بگیرید) تا خداوند امور پراکنده شما را سامان بخشد.

به یکدیگر نیکی کنید تا خداوند بین شما اُنس و الفت برقرار سازد.

از نعمت الهی که به شما عنایت کرده یکدیگر را بهره‌مند سازید، چنانکه خداوند شما را پاداشی چند برابر اعیاد گذشته و آینده عطا می‌نماید، که این پاداش عظیم جز در چنین روزی به شما نمی‌رسد.

نیکی کردن در این روز باعث زیاد شدن ثروت و طولانی شدن عمر است. مهربانی کردن به همدیگر رحمت و رأفت خدا را به انسان جلب می‌کند.

- و بنابر نقلی افزوده شده: پس شادی کنید، و دیگران را با اهدای جامه نیکو، بوی خوش و اطعام شاد نمایید. -

تا آنجا که می‌توانید از فضل الهی بر برادران دینی و خانواده خویش جود و بخشش داشته باشید.

من ضامنم که هر کس قرض بگیرد و به برادران دینی کمک نماید، اگر زنده بماند خدا قرضش را ادا کند و اگر بمیرد از دوشش بردارد (یعنی خدا کاری کند که بدهی او پرداخت شود).

هنگامی که به یکدیگر می رسید سلام و مصافحه نمایید، و یکدیگر را در این روز از نعمت‌ها بهره‌مند سازید.^۱

آنچه گفتم حاضرین به غایبین برسانند (و باز تأکید می‌کنم که) ثروتمندان از نیازمندان و توانگران از ناتوانان دستگیری نمایند. دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به من این چنین بود.

حضرت بعد از این فرمایش مشغول خطبه جمعه شده و پس از نماز با فرزندان و شیعیان برای صرف نهار به منزل امام مجتبی علیه السلام رفتند و پس از صرف غذا هر کدام از آنان - چه ثروتمند و چه فقیر - با هدیه‌ای [از جانب حضرت] نزد خانواده خود بازگشتند.

۱. تعبیر روایت (وتهانوا النعمة [بالنعمة] في هذا اليوم) است گرچه به قرینه سلام و مصافحه احتمال دارد که مراد آن باشد: (نعمت این روز - یعنی ولایت - را به یکدیگر تبریک گوید) ولی در کتب لغت برای ماده «هنا» در باب تفاعل چنین معنایی پیدا نکردیم.

۲

اهمیت عزاداری

● روایت یکم

۱. هیجان احزان عاشورا

قال العلامة المجلسي: وجدت في بعض مؤلفات قدماء أصحابنا^۱ زيارة له عليه السلام، وكانت النسخة قديمة، كان تاريخ كتابتها سنة ست وأربعين وسبعمائة، فأوردتها كما وجدتها: قال: زيارة مولانا و سيدنا أبي الحسن الرضا عليه وعلى آبائه وأبناؤه الصلاة والسلام، كل الأوقات سالحة لزيارته وأفضلها في شهر رجب روي ذلك عن ولده أبي جعفر الجواد صلوات الله عليه وسلامه وهي:

۱. راوی این روایت معلوم نیست ولی استنساخ مصدر مربوط به سنه ۷۴۶ هجری است. این روایت به زیارت جوادیه معروف است، علامه مجلسی علیه السلام فرموده ظاهر عبارت آن است که این زیارت از امام جواد علیه السلام نقل شده ولی پس از آن احتمال داده که زیارت از آن حضرت نباشد. ولی میرداماد این زیارت را از امام جواد علیه السلام روایت کرده است. مصادر روایت: بحار ۵۲/۹۹ - ۵۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام ۴/۱۳۲ به نقل از رساله اربعة ایام میرداماد ۵۵ - ۶۰ با تذکر آن که نقل ایشان با بحار اختلاف فراوان دارد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ... السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ الَّذِي هَبَّحَ
أَحْزَانَ يَوْمِ الطُّفُوفِ .

علامه مجلسی می نویسد: در تألیف یکی از قدمای شیعه زیارتی برای امام رضا علیه السلام نقل شده است. او در بیان این که بهترین وقت زیارت آن حضرت ماه رجب است نوشته: این مطلب از امام جواد علیه السلام روایت شده و آن چنین است: سلام بر تو ای ولی خدا... سلام بر امام مهربان که [با یادآوری] اندوه و احزان روز عاشورا [شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام] را به هیجان درآورد.

● روایت دوم

۲. روزه روز اول محرم

عن الريّان بن شبیب،^۱ قال: دخلت على [الإمام] أبي الحسن الرضا عليه السلام في أول يوم من المحرم، فقال لي: يا ابن شبیب أصائم أنت؟ فقلت: لا، فقال: إن هذا اليوم هو اليوم الذي دعا فيه زكريا ربه عز وجل، ﴿قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ [آل عمران (۳): ۳۸] فاستجاب الله له، وأمر الملائكة فنادت زكريا - وهو قائم يصلي في المحراب -: ﴿أَنْ

۱. گرچه ریّان بن شبیب - بنابر اختلاف روایات - دایمی معتصم یا مأمون است، ولی بالاتفاق تقه و مورد اطمینان است و امام جواد علیه السلام برای او دعا فرموده‌اند. (مستدرکات علم الرجال ۴۱۱/۳، معجم رجال الحدیث ۸۸۸/۸، ۲۱۶).

مصادر روایت: رجوع شود به امالی شیخ صدوق علیه السلام ۱۲۹ - ۱۳۰، عیون اخبار الرضا علیه السلام ۲۹۹/۱ - ۳۰۰، اقبال ۵۴۴ - ۵۴۵، بحار ۲۸۵ / ۴۴ - ۲۸۶ و ۱۰۲/۹۸ - ۱۰۳، عوالم ۱۷ / ۵۲۸ - ۵۳۹، و قسمتی از روایت در وسائل ۵۰۲/۱۴ - ۵۰۳.

اللَّهُ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ ﴿ [آل عمران (۳): ۳۹]، فمن صام هذا اليوم
ثم دعا الله عز وجل استجاب الله له كما استجاب لذكر يا عليه السلام.

ریان بن شبیب گوید: روز اول محرم محضر حضرت ثامن الحجج علیه السلام شرفیاب شدم، حضرت پرسید: آیا روزه گرفته‌ای؟ عرض کردم: نه. فرمود: امروز روزی است که حضرت زکریا علیه السلام دعا کرد و از خداوند درخواست نسل پاکی نمود، خدا هم دعای او را مستجاب کرده، به فرشتگان دستور داد هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده، او را به یحیی بشارت دهند.

هر کس امروز را روزه بگیرد، خدا دعایش را مستجاب فرماید، همان‌گونه که دعای حضرت زکریا علیه السلام را مستجاب نمود.

۳. مقایسه بین کفار زمان جاهلیت و قاتلین امام حسین علیه السلام

ثم قال: يا ابن شبیب! إن المحرم هو الشهر الذي كان أهل الجاهلية فيما مضى يحرمون فيه الظلم والقتال لحرمة، فما عرفت هذه الأمة حرمة شهرها، ولا حرمة نبيها صلى الله عليه وآله، لقد قتلوا في هذا الشهر ذريته، وسبوا نساءه، وانتهبوا ثقله فلا غفر الله لهم ذلك أبدا.

پسر شبیب! مردمان جاهلیت به احترام ماه محرم، جنگ و ستم را در این ماه ممنوع می‌دانستند ولی این امت نه احترام ماه و نه احترام پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ کدام را رعایت نکردند، ذریه آن حضرت را به شهادت رسانده، زنان خاندان رسالت را به اسارت گرفتند و اموال آنها را به یغما بردند، خدا هیچ‌گاه آنها را نیامرزد.

۴. عزاداری آسمان و زمین و فرشتگان

یا ابن شیبب! إن كنت باکیا لشيء فابک للحمین بن علی بن ابي طالب عليهم السلام فإنه ذبح كما يُذبح الكبش، وقتل معه ثمانية عشر رجلا من أهل بيته، ما لهم في الأرض شبيهون.

ولقد بكت السماوات السبع والأرضون لقتله.

ولقد نزل إلى الأرض من الملائكة أربعة آلاف لنصره، فوجدوه قد قُتل، فهم عند قبره شعثٌ عُبرٌ إلى أن يقوم القائم عليه السلام فيكونون من أنصاره، وشعارهم: «يا لثاراتِ الحُسَيْنِ».

یا ابن شیبب! لقد حدّثني أبي، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام، أنه لما قُتل جدي الحسين عليه السلام أمطرت السماء دما و ترابا أحمر.

پسر شیبب! اگر برای چیزی گریان شدی برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن که آن حضرت را ... سر بریدند!! و همراه آن حضرت هجده نفر از اهل بیت به شهادت رسیدند که در دنیا بی نظیر بودند.

آسمان‌های هفتگانه و تمام زمین‌ها در عزای آن حضرت گریستند.

چهار هزار فرشته برای یاری آن حضرت نازل شدند ولی هنگامی رسیدند که حضرت به شهادت رسیده بود، آنها نزد قبر آن حضرت پریشان و گردآلود (با حالت عزا) هستند تا هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام، آنان از یاران حضرت خواهند بود با شعار خونخواهی سیدالشهدا علیه السلام: «يا لثاراتِ الحُسَيْنِ».

پسر شیبب! پدرم از پدرش از جدش علیه السلام نقل فرمود که: پس از شهادت جدّم

امام حسین علیه السلام آسمان خون و خاک قرمز بارید!

۵. گریه برای امام حسین علیه السلام موجب مغفرت گناهان

یا ابن شیبب! إن بکیت علی الحسین علیه السلام حتی تصیر دموعک علی خدّیک غفر الله لك كل ذنب أذنبته صغيرا كان أو كبيرا، قليلا كان أو كثيرا.

پسر شیبب! اگر بر امام حسین علیه السلام گریه کردی تا اشک بر گونه‌هایت جاری شد خدا همه گناهانت را - از کوچک و بزرگ، کم یا زیاد - خواهد آمرزید.

۶. زیارت امام حسین علیه السلام از اسباب آمرزش

یا ابن شیبب! إن سرّك أن تلقى الله عزّوجلّ ولا ذنب عليك فزر الحسين عليه السلام.

پسر شیبب! اگر دوست داری هنگام ملاقات خدای عزّوجلّ هیچ گناهی بر تو نباشد، امام حسین علیه السلام را زیارت کن.

۷. نفرین به قاتلین امام حسین علیه السلام

یا ابن شیبب! إن سرّك أن تسکن الغرف المبنية في الجنة مع النبي صلى الله عليه وآله فالعن قتلة الحسين عليه السلام.

پسر شیبب! اگر دوست داری همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در غرفه‌های بهشتی ساکن باشی، بر قاتلین سیدالشهدا علیه السلام لعن و نفرین نما.

۸. آرزوی یاری سیدالشهدا علیه السلام

یا ابن شیبب! إن سرّك أن يكون لك من الثواب مثل ما لمن استشهد مع الحسين عليه السلام فقل متي ما ذكرته: «يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً».

پسر شیبب! اگر دوست داری ثوابی مانند شهدای کربلا داشته باشی، هرگاه از آن حضرت یاد نمودی بگو: «یا لیتنی کنت معهم فأفوز فوزاً عظيماً». یعنی ای کاش من هم با آنان بودم تا به فوزی عظیم نائل می‌گردیدم.

۹. محزون در حزن اهل بیت علیهم السلام

یا ابن شیبب! إن تكون معنا في الدرجات العلى من الجنان، فاحزن لحزننا، وافرح لفرحنا، وعليك بولايتنا، فلو أن رجلاً تولّى حجراً لحشره الله تعالى معه يوم القيامة.

پسر شیبب! اگر دوست داری در درجات عالی بهشتی با ما باشی به جهت حزن ما محزون و اندوهناک باش و برای شادی ما شاد و ملازم و ولایت ما باش؛ زیرا اگر کسی به سنگی محبت داشته (و به آن دل ببندد) خدا او را با همان سنگ محشور می‌نماید.

● روایت سوم

۱۰. همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

عن حسن بن علی بن فضال،^۱ عن أبي الحسن الرضا عليه السلام، قال: من تذكّر مصابنا وبكى لما ارتكب متاً، كان معنا في درجاتنا يوم القيامة.

ابن فضال گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که مصائب ما را به یاد آورد، و به جهت رفتاری که با ما شد گریان شود، در قیامت در درجات ما همراه ما باشد.

۱۱. چشم‌روشنی قیامت

ومن ذكّر بمصابنا فبكى وأبكى لم تبك عينه يوم تبكي العيون. کسی که مصائب ما را ذکر نموده و خودش بگرید و دیگران را نیز بگریاند، روزی که چشم‌ها گریان هستند گریان نباشد.

۱۲. زنده‌دلی در محشر

ومن جلس مجلساً يحیی فيه أمرنا لم يموت قلبه يوم تموت [فيه] القلوب.

۱. شیخ طوسی مدح، وثاقت و ارتباط خاص حسن را با امام رضا علیه السلام نقل کرده است. بعضی او را از اصحاب اجماع - که شیعیان بر علم و فقهانشان اتفاق نظر داشته‌اند - شمرده‌اند. در مورد عبادت و زهد او سخن فراوان گفته شده، گرچه فطیحی مذهب بوده ولی از آن عقیده برگشته است. (معجم رجال الحدیث ۶/۴۸، ۵۳ و ۲۱/۳).
 مصادر روایت: رجوع شود به امالی شیخ صدوق علیه السلام ۷۳، عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱/۲۹۴، بحار ۱/۲۰۰، و ۲۷۸/۴۴، وسائل ۱۴/۵۰۲، عوالم ۱۷/۵۳۱.

کسی که در مجلسی شرکت کند که امر ما در آن احیا گردد، روزی که همه دلمرده (و افسرده) باشند دلمرده نباشد.

● روایت چهارم^۱

۱۳. سفارش به تعطیلی روز عاشورا

وأيضاً عن ابن فضال، عن مولانا الرضا علیه السلام، قال: من ترك السعي في حوائجه يوم عاشوراء قضى الله له حوائج الدنيا والآخرة.

و نیز ابن فضال نقل کرده که امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس روز عاشورا دنبال کار نرود، خدا امور دنیا و آخرت او را اصلاح فرماید.

۱۴. عاشورا روز مصیبت و گریه

ومن كان يوم عاشوراء يوم مصيبتة وحزنه وبكائه، جعل الله عزوجل يوم القيامة يوم فرحه وسروره، وقوت بنا في الجنان عينه. هر کس روز عاشورا روز مصیبت، غم، اندوه و گریه اش باشد، خدای عزوجل روز قیامت را روز شادی و سرورش قرار دهد، و در بهشت چشمش به ما خاندان روشن شود.

۱۵. سزای مبارک دانستن روز عاشورا

ومن سمى يوم عاشورا: يوم بركة، وادخر فيه لمنزله شيئاً لم يبارك له فيما ادخر، وحشر يوم القيامة مع يزيد وعبيد الله بن زياد وعمر بن سعد لعنهم الله إلى أسفل درك من النار.

هر کس روز عاشورا را مبارک دانسته و در خانه اش چیزی ذخیره نماید، برکت از آن چیز برطرف شده و در قیامت با یزید و ابن زیاد و عمر بن سعد - که لعنت خدا بر آنها باد - محشور و در پست ترین درکات جهنم عذاب شود.^۱

۱. شایان ذکر است که: در کشور هندوستان با آن که مسلمانان - تا چه رسد به شیعه! - در اقلیت هستند و حکومت و دولت اصلاً با دین هیچ حسابی ندارد، روز عاشورا تعطیل رسمی است! (انقلاب عاشورا ۴۳۷ به نقل از: سرزمین هند ۲۵۲، نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن ۸۵، تاریخ النباحه ۲/۷۲ - ۸۴).

و جالب آن که در محرم سال ۱۴۳۱ اسقف اعظم عراق اعلام کرد: به جهت تصادف تولد حضرت مسیح علیه السلام با ایام عاشورا، امسال جشن کریسمس به احترام امام حسین علیه السلام تعطیل است.

۱. مصادر روایت: امالی شیخ صدوق علیه السلام ۱۲۹، عیون اخبار الرضا علیه السلام ۲۹۹/۱، علل الشرائع ۲۲۷/۱، روضة الواعظین ۱۶۹/۱ - ۱۷۰، اقبال ۵۸۷، بحار ۴۴/۲۸۴ و ۳۴۴/۹۵ و ۱۰۲/۹۸، وسائل ۱۴/۵۰۴، عوالم ۱۷/۵۳۹ - ۵۴۰.

● روایت پنجم

۱۶. از کفار زمان جاهلیت هم بدتر!

عن ابراهیم بن ابي محمود،^۱ عن مولانا ابي الحسن الرضا عليه السلام قال: إن المحرم شهر كان أهل الجاهلية يحرمون فيه القتال، فاستحلّت فيه دماؤنا، وهتكت فيه حرمتنا، وسبى فيه ذرارينا ونساؤنا، وأضرمت النيران في مضاربنا، وانتهب ما فيها من ثقلنا، ولم تُرعَ لرسول الله صلى الله عليه وآله حرمة في أمرنا.

ابراهیم بن ابی محمود خراسانی گوید: حضرت ثامن الحجج علیه السلام فرمود: محرم ماهی است که مردمان زمان جاهلیت هم به احترام آن جنگ و قتال را ممنوع می‌دانستند، ولی ریختن خون مادر آن حلال شمرده شد، (و این امت، ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله را به شهادت رساندند).

(امت) در این ماه حرمت ما را هتک نموده، فرزندان و زنان خاندان رسالت را به اسارت گرفتند، خیمه‌های ما را به آتش کشیده، و اموالی را که در آن بود به یغما بردند، و احترام پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به ما خاندان رعایت نکردند.

۱. ابراهیم بن ابی محمود خراسانی از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیه السلام است، شیخ طوسی و شیخ نجاشی او را توثیق نموده‌اند، و بنابر روایتی امام رضا علیه السلام برای او بهشت را تضمین فرموده‌اند. (معجم رجال الحدیث ۱/۱۸۰).

مصادر روایت: رجوع شود به امالی شیخ صدوق علیه السلام ۱۲۸، روضة الواعظین ۱/۱۶۹، مناقب ۸۶/۴ (بدون جمله اخیر)، اقبال ۵۴۴، بحار ۴۴/۲۸۳ - ۲۸۴، عوالم ۱۷/۵۳۸ (با کمی اختلاف بین مضمون آن در مصادر) و قسمتی از روایت در: وسائل ۵۰۵/۱۴.

۱۷. مژگانی مجروح!

إن يوم الحسين عليه السلام أقرح جفوننا، وأسبل دموعنا، وأذلّ عزيزنا بأرض كرب وبلاء، وأورثتنا [كذا] الكرب والبلاء إلى يوم الانقضاء^۱ فعلى مثل الحسين عليه السلام فليبك الباكون فإن البكاء عليه يحطّ الذنوب العظام.

روز امام حسین علیه السلام (و مصیبت عاشورا) پلک چشم ما را زخم نمود، اشک ما را جاری ساخت، عزیزان ما را در سرزمین کرب و بلا خوار نمود و برای ما گرفتاری و مصیبت ابدی به جای گذاشت.

اهل گریه باید برای مثل امام حسین علیه السلام گریه کنند که گناهان بزرگ را محو می‌کند.

۱۸. عزاداری امام کاظم علیه السلام

ثم قال عليه السلام: كان أبي إذا دخل شهر المحرم لا يرى ضاحكاً، وكانت الكآبة تغلب عليه حتى يمضي منه عشرة أيام، فإذا كان يوم العاشر كان ذلك اليوم يوم مصيبتته وحزنه وبكائه، ويقول: هو اليوم الذي قتل فيه الحسين عليه السلام.

سپس فرمود: با ورود ماه محرم، پدرم خندان دیده نمی‌شد و تاده روز دلشکستگی و افسردگی بر آن حضرت غالب بود، اما روز عاشورا روز مصیبت، حزن، اندوه و گریه ایشان بود و می‌فرمود: امروز امام حسین علیه السلام به شهادت رسید.

۱. در بعضی مصادر چنین آمده است که حضرت زمین کربلا را مخاطب قرار داده و فرمود: «یا أرض کربلاء أورثتنا الكرب والبلاء إلى يوم القيامة» یعنی: ای سرزمین کربلا تو برای ما گرفتاری و مصیبت ابدی به جای گذاشتی.

● روایت ششم

۱۹. جزع و بی‌تابی حضرت ابراهیم علیه السلام در عزای امام حسین علیه السلام

عن فضل بن شاذان^۱، عن مولانا أبي الحسن الرضا عليه السلام، قال: لما أمر الله عز وجل إبراهيم أن يذبح مكان ابنه إسماعيل الكبش الذي أنزله عليه، تمنى إبراهيم أن يكون قد ذبح ابنه اسماعيل بيده، وأنه لم يؤمر بذبح الكبش مكانه؛ ليرجع إلى قلبه ما يرجع إلى قلب الوالد الذي يذبح أعزّ ولده عليه بيده فيستحقّ بذلك أرفع درجات أهل الثواب على المصائب.

فأوحى الله عز وجل إليه: يا إبراهيم من أحبّ خلقي إليك؟

فقال: يا رب! ما خلقت خلقا هو أحبّ إليّ من حبيبك محمد صلى الله عليه وآله.

فأوحى الله إليه: أفهو أحبّ إليك أم نفسك؟

قال: بل هو أحبّ إليّ من نفسي.

قال: فولده أحبّ إليك أم ولدك؟

قال: بل ولده.

قال: فذبح ولده ظلما على أيدي أعدائه أوجع لقلبك أو ذبح

ولدك بيدك في طاعتي؟

۱. فضل بن شاذان از اصحاب امام رضا و امام جواد علیه السلام است. شیخ نجاشی درباره او فرموده: او از فقها و متکلمینی است که بین شیعیان منزلت و جلالت والایی دارد که به وصف نیاید. او صد و هشتاد تألیف دارد. (معجم رجال الحدیث ۳۰۹/۱۴).

مصادر روایت: رجوع شود به خصال ۵۸ - ۵۹، عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱۸۷/۲ - ۱۸۸، تأویل الآیات ۴۹۷/۲ - ۴۹۸، بحار ۱۲/۱۲ - ۱۲۵ و ۲۲۵/۴۴ - ۲۲۶، عوالم ۱۷/۱۰۶.

قال: يا رب! بل ذبحه على أيدي أعدائه أوجع لقلبي.

قال: يا إبراهيم! فإن طائفة تزعم أنها من أمة محمد ستقتل الحسين ابنه من بعده ظلما وعدوانا كما يذبح الكبش، ويستوجبون بذلك سخطي.

فجزع إبراهيم عليه السلام لذلك، وتوجّع قلبه، وأقبل يبكي، فأوحى الله عز وجل: يا إبراهيم قد فديتُ جزعَكَ على ابنك إسماعيل - لو ذبحته بيدك - بجزعك على الحسين وقتله، و أوجبتُ لك أرفع درجات أهل الثواب على المصائب. وذلك قول الله عز وجل: ﴿وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ [الصافات (۳۷): ۱۰۷].

امام رضا علیه السلام فرمود: هنگامی که خدای عزوجل به حضرت ابراهیم علیه السلام دستور داد که به جای اسماعیل علیه السلام، قوچی را که برای او فرستاده بود قربانی کند، حضرت ابراهیم علیه السلام آرزو کرد که ای کاش اسماعیل علیه السلام را ذبح کرده بود نه قوچ را تا قلبش در عزای عزیزترین فرزندانش - که به دست خودش ذبح شده - داغدار می شد و به بالاترین درجات پاداش مصیبت زدگان نائل می گشت.

خداوند به او وحی کرد: محبوب ترین خلق من نزد تو کیست؟

عرض کرد: خدایا حبيب تو محمد صلى الله عليه وآله.

- او را بیشتر دوست داری یا خودت را؟

- او را از خودم بیشتر دوست دارم.

- فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟

- فرزند او را.

● روایت هفتم

۲۰. محرم ماه حزن و اندوه

حکى دعبل^۱، قال: دخلتُ على سيدي ومولاي علي بن موسى الرضا عليهما السلام في مثل هذه الأيام،^۲ فرأيتُه جالساً جلسة الحزين الكئيب وأصحابه من حوله، فلما رأني مقبلاً قال لي: مرحباً بك يا دعبل، مرحباً بناصرنا بيده ولسانه،

ثم إنه وسَّع لي في مجلسه وأجلسني إلى جانبه، ثم قال لي: يا دعبل أحبُّ أن تتشدنا شعراً؛ فإن هذه الأيام أيام حزن كانت علينا أهل البيت، وأيام سرور كانت على أعدائنا خصوصاً بني أمية.

دعبل خزاعی می گوید: مثل این ایام - که ظاهراً ماه محرم بوده - نزد سرور و مولایم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتم، حضرت که در جمع اصحاب محزون و اندوهناک نشسته بود، به من خوش آمد گفت و فرمود: مرحباً به یاور ما که با دست و زبان، ما را یاری می کند.

سپس برای من جا باز کرده و مرا در کنار خویش نشانید و فرمود: دوست دارم برای ما شعری بخوانی که ایام حزن ما اهل بیت و سرور دشمنان ما - به خصوص بنی امیه - است.

- اگر فرزند او به دست دشمنان مظلومانه کشته شود، بیشتر قلب تو را به درد می آورد، یا اینکه با دست خود فرزندت را به جهت اطاعت من ذبح کنی؟
- پروردگارا! کشته شدن فرزند او بر دست دشمنان، بیشتر قلب مرا به درد می آورد.

- ای ابراهیم گروهی که خود را از امت محمد صلی الله علیه و آله می دانند پس از او فرزندش حسین را از روی ستم و دشمنی ... به قتل می رسانند، و مستوجب خشم و غضب من خواهند گشت.

حضرت ابراهیم علیه السلام از شنیدن این خبر بی تاب شد، قلبش به درد آمد و شروع به گریه نمود.

خدای عزوجل به او وحی فرمود: بی تابی و جزع تو را در عزای امام حسین علیه السلام به جای بی تابی در کشته شدن فرزندت اسماعیل - اگر او را با دست خود قربانی می کردی - پذیرفتم و بالاترین درجات پاداش مصیبت زدگان را بر تو (ثبت نموده و) لازم دانستم.

سپس امام رضا علیه السلام فرمود: مقصود از آیه شریفه ﴿وَقَدْ يَنْبَأُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ﴾ نیز همین قضیه است.^۱

۱. علامه مجلسی علیه السلام در توضیح آیه بنا بر روایت گذشته بیانی دارد به این شرح که: خداوند تعالی جزع حضرت ابراهیم علیه السلام در عزای امام حسین علیه السلام را به (جای) جزع حضرت ابراهیم علیه السلام در عزای حضرت اسماعیل علیه السلام (پذیرفت و) تعویض کرد.

ایشان فرموده: عبارت «فدی» - در «فَدَيْتَاهُ» - در معنای حقیقی اش استعمال نشده بلکه به معنای تعویض آمده است. (رجوع شود به بحار الانوار ۲۲۶/۴۴ - ۲۲۷).

۲. مصادره روایت: رجوع شود به بحار ۲۵۷/۴۵، عوالم ۵۴۵/۱۷، مستدرک ۳۸۶/۱۰.

۲. ظاهراً اشاره به ماه محرم است، چنانکه علامه مجلسی علیه السلام در کتاب جلاء العیون فرموده است.

۲۱. پاداش عظیم عزاداری

یا دعبل من بکی و أبکی علی مصابنا ولو واحداً کان أجره علی الله .

یا دعبل من ذرفت عیناه علی مصابنا وبکی لهما أصابنا من أعدائنا حشره الله معنا فی زمرتنا .

یا دعبل من بکی علی مصاب جدی الحسین علیه السلام غفر الله له ذنوبه البتة .

ای دعبل! هر کس در مصائب ما بگرید و بگریاند - حتی اگر یک نفر را - پاداش او بر خداست.

ای دعبل! هر چشمی که در مصائب ما اشک بریزد و بگرید بر آنچه از دشمنان بر سر ما آمده خدا او را با ما محشور کند.

ای دعبل! هر کس در مصائب جدم امام حسین علیه السلام بگرید خدا حتماً گناهان او را بیامزد.

۲۲. اقامه مجلس عزّا توسط امام هشتم علیه السلام

ثم إنه علیه السلام نهض ، و ضرب سترّاً بیننا و بین حرمه ، و اجلس أهل بیته من وراء الستر لیبکوا علی مصاب جدّهم الحسین علیه السلام ، ثم التفت إليّ ، و قال لی : یا دعبل ارث الحسین علیه السلام - فأنت ناصرنا و مادحنا - ما دمت حیّاً ، فلا تقصّر عن نصرنا ما استطعت .

پس از آن حضرت بلند شد و با دست مبارک پرده‌ای زد و به خانواده‌اش فرمود که پشت آن قرار گیرند و بر مصایب جدشان بگریند. سپس فرمود: ای دعبل برای امام حسین علیه السلام مرثیه سرایی کن - که تو یاور و مداح ماهستی - تا جان در تن داری ، تا می توانی در یاری ما از هیچ کوششی دریغ مدار و کوتاهی مکن .

۲۳. مرثیه سرایی دعبل

قال دعبل : فاستعبرت ، و سألت عبرتی ، و أنشأت أقول :

أ فَاطِمُ لَوْ خِلَتِ الْحُسَيْنِ مُجَدَّلًا
وَقَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِشَطِّ فُرَاتٍ
إِذَا لَطَمْتِ الْخَدَّ فَاطِمُ عِنْدَهُ
وَأَجْرِيَتْ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ
أ فَاطِمُ قُومِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ وَأَنْدُبِي
نُجُومَ سَمَاوَاتٍ بِأَرْضِ فَلَاحِ
قُبُورٍ بِكُوفَانَ وَأُخْرَى بِطَيْبَةَ
وَأُخْرَى بِفَخِّ نَالِهَا صَلَوَاتِي
قُبُورٍ بِبَطْنِ النَّهْرِ مِنْ جَنْبِ كَرْبَلَا
مُعَرَّسُهُمْ فِيهَا بِشَطِّ فُرَاتٍ

تَوَافُوا [تُؤَفُّوا] عِطَاشًا بِالْعَرَاءِ فَلَيْتَنِي
 تُؤُوقِيْتُ فِيهِمْ قَبْلَ حِينِ وَفَاتِي
 إِلَى اللَّهِ أَشْكُو لَوْعَةً عِنْدَ ذِكْرِهِمْ
 سَفَقْتَنِي بِكَأْسِ الثُّكُلِ وَالْفَطَعَاتِ
 إِذَا فَخَرُوا يَوْمًا أَتَوْا بِمُحَمَّدٍ
 وَجَبْرِيلَ وَالْقُرْآنَ وَالسُّورَاتِ
 وَعَدُّوا عَلِيًّا ذَا الْمَنَاقِبِ وَالْعُلَا
 وَقَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ خَيْرَ بَنَاتِ
 وَحَمْرَةَ وَالْعَبَّاسَ ذَا الدِّينِ وَالتُّقَى
 وَجَعَفَرَهَا الطَّيَّارَ فِي الْحُجَبَاتِ
 أُولَئِكَ مَشْتُمُونَ هِنْدًا وَحَرْبَهَا
 سُمِّيَةَ مِنْ نَوَكِي وَمِنْ قَدِرَاتِ
 هُمْ مَسْعُوكُوا الْآبَاءِ مِنْ أَخَذِ حَقِّهِمْ
 وَهُمْ تَرَكَوْا الْأَبْنََاءَ رَهْنَ شَتَاتِ
 سَابَّكِيهِمْ مَا حَاجَّ لِلَّهِ رَاكِبُ
 وَمَا نَاحَ قُمْرِيٌّ عَلَى الشَّجَرَاتِ
 فَيَا عَيْنُ بَكِّيهِمْ وَجُودِي بِعَبْرَةٍ
 فَقَدْ آنَ لِلتَّشْكَابِ وَالْهَمَلَاتِ

بَنَاتُ زِيَادٍ فِي الْقُصُورِ مَصُونَةٌ
 وَأَلُّ رَسُولِ اللَّهِ مُنْتَهَكَاتُ
 وَأَلُّ زِيَادٍ فِي الْحُصُونِ مَنِيعَةٌ
 وَأَلُّ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْفَلَوَاتِ
 دِيَارُ رَسُولِ اللَّهِ أَضْبَحْنَ بَلْقَعًا
 وَأَلُّ زِيَادٍ تَشْكُنُ الْحُجَرَاتِ
 وَأَلُّ رَسُولِ اللَّهِ نُخْفُ جُسُومِهِمْ
 وَأَلُّ زِيَادٍ غُلَظُ الْقَصَرَاتِ
 وَأَلُّ رَسُولِ اللَّهِ تُدْمَى نُحُورُهُمْ
 وَأَلُّ زِيَادٍ رَبَّةُ الْحَجَلَاتِ
 وَأَلُّ رَسُولِ اللَّهِ تُسَبَّى حَرِيمُهُمْ
 وَأَلُّ زِيَادٍ آمِنُوا السَّرَبَاتِ
 إِذَا وَتَرُوا مَدُّوا إِلَى وَاتِرِيهِمْ
 أَكْفًا مِنَ الْأَوْتَارِ مُنْقَبِضَاتِ
 سَابَّكِيهِمْ مَا ذَرَّ فِي الْأَرْضِ شَارِقُ
 وَنَادَى مُنَادِي الْخَيْرِ لِلصَّلَوَاتِ
 وَمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَحَانَ غُرُوبُهَا
 وَبِاللَّيْلِ أَبْكِيهِمْ وَالْعُدُواتِ^١

١. این اشعار که به قصیده تائیه دعبل معروف است ۱۲۳ بیت دارد. (الذریعة ۱۱۱/۱۷) ←

دعبل می گوید: گریه ام گرفت، اشکم جاری شد و شروع به خواندن کردم: ای فاطمه آیا هیچ فکر می کردی کشته حسینت به روی زمین افتاده باشد و بالب تشنه در کنار نهر فرات جان سپارد؟!

اگر او را با آن حالت می دیدی به صورت خویش لطمه می زدی و اشک بر رخسار جاری می ساختی!

ای فاطمه بر پا خیز، ای دختر خیرالبشر، نوحه سرایی کن و اشک بریز. ستارگان آسمان (تو) همه در بیابان بر زمین ریخته اند.

قبر برخی از آنان کوفه، برخی در طَیْبَه [نجف یا مدینه] و برخی در فِخ است که درود خدا بر آن تربت های پاک باد.

قبر برخی دیگر کنار نهر کربلاست، محل فرود آنان کنار شط فرات بود.

در بیابان بالب تشنه جان دادند! ای کاش من [هم در بین آنان بودم و] پیش از مردنم با آنها جان داده بودم.

به خدا شکایت می برم از [بی قراری و] سوزی که هنگام یاد آن عزیزان [سرتاپای وجودم را فرا می گیرد و] جرعه های داغ و مصیبت و سختی و شدت را به من می نوشاند.

مصادر مختلف آن را با زیاده و نقصان و اختلاف در برخی از الفاظ و ابیات نقل کرده اند. (رجوع شود به کشف الغمة ۳۱۸/۲ - ۳۲۷، العدد القویة ۲۸۳ - ۲۹۱، بحار الانوار ۲۴۴/۴۹ - ۲۵۱، عوالم ۴۱۰/۲۲ - ۴۲۱).

بنابر روایت گذشته دعبل در این مجلس فقط قسمتی که با ایام محرم مناسبت داشته خوانده است.

اگر فخر کنند [باید به] پیامبر صلی الله علیه و آله [فخر نمایند]، جبرئیل، قرآن و سوره های آن را [به یاد] آورند [و ذکر کنند].

امیر مؤمنان علیه السلام که صاحب مناقب [مشهوره] و رتبه و الاست، فاطمه زهرا علیها السلام که بهترین دختران [عالم] است، حضرت حمزه و عباس که صاحب دین و تقوی هستند و حضرت جعفر که در بهشت پرواز می کند را [که عزیزان عالم وجود هستند در مقام افتخار نام برند و] بشمار آرند.

[اما در مقابل آنان،] آن قوم شوم، یعنی هند [جگرخوار] و حرب بن امیه و سمیه [مادر بزرگ ابن زیاد و امثال آنان] از مردانی احمق و زنانی ناپاک هستند.

آنان پدران [امیر مؤمنان علیه السلام] را از حق خویش محروم کردند، و فرزندان را میان گرفتاری و تفرقه و تشویش رها کردند.

من در عزای آنان همیشه خواهم گریست مادامی که سواران به حج خانه خدا روند و قمریان بر درختان نوحه سرایی نمایند.

ای دیدگان من برای آنان بگریید و قطرات اشک نثار کنید که زمان اشک باریدن است:

[زیرا] دختران آل زیاد در کاخ ها در امنیت هستند؛ ولی آل پیامبر صلی الله علیه و آله مورد بی احترامی واقع شده اند.

خاندان آل زیاد در دژهایی استوار؛ ولی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله آواره بیابانها! خانه های آل پیامبر صلی الله علیه و آله خالی [و افرادی کشته یا اسیر] شده؛ ولی آل زیاد در اتاقها [ی خانه ها در آسایش] سکونت دارند.

آل پیامبر علیهم السلام لاغر و نحیف؛ و آل زیاد گردن کلفت و کاخ نشین گشته اند.

آل پیامبر علیهم السلام سربریده و به خون آغشته؛ و آل زیاد حجله نشین شده اند [و در شادی و سرورند].

آل پیامبر علیهم السلام به اسارت می روند؛ و آل زیاد در آرامش کامل بسر می برند.

هنگامی که کسی از اهل بیت علیهم السلام کشته شود [نمی تواند انتقام بگیرند بلکه] دست هایی که از مظلومیت بسته شده به سوی قاتل دراز می کنند.

[تا زنده ام] در مصائب آنان اشک می ریزم مادامی که نوری بر زمین بتابد و منادی خیر (مؤذن) مردم را برای نماز صدا بزند. و مادامی که خورشید طلوع و غروب نماید، من شب و روز گریه ام را ادامه خواهم داد.

● روایت هشتم

۲۴. اشک امام علیه السلام هنگام دیدن تربت کربلا

روی ابن قولویه فی کتاب کامل الزیارات^۱، عن أبي بكار، قال : أخذتُ من التربة التي عند رأس الحسين بن علي عليه السلام ، فإنها طينة حمراء [طينا أحمر] ، فدخلت على الرضا عليه السلام فعرضتها عليه ، فأخذها في كفه ، ثم شمّها ، ثم بكى حتى جرت دموعه ، ثم قال : هذه تربة جدّي .

ابوبکار گوید: قدری از خاک سرخ رنگ بالای سر امام حسین علیه السلام را برداشته و هنگامی که شرفیاب حضور حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام شدم، خدمت آن گرامی عرضه کردم.

حضرت آن را در دست گرفته و می بویید و می گریست ، سپس فرمود: (آری) این تربت جدّ من است.

۱. کتاب شریف کامل الزیارات تألیف ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه استاد شیخ مفید است که در قرن چهارم می زیسته ، وثاقت و جلالت او مورد اتفاق علمای شیعه است و او خود در مقدمه کتاب می گوید: «من تنها روایاتی را که از افراد مورد اطمینان و ثقه باشد، نقل می کنم».

مصادر روایت : رجوع شود به کامل الزیارات ۲۸۳، بحار ۲۸ / ۷۳ و ۹۸ / ۱۳۱ .

۱۸	غدير روز تبسم.....
۱۷	آراستن در عيد غدير.....
۱۸	اطعام مؤمنان در روز غدير.....
۱۸	ديدار اهل ايمان در عيد غدير.....
۱۸	عرضه ولايت بر جميع اشيا در روز غدير.....
۲۰	مثل فرشته ها به برکت غدير.....
۲۱	احترام پيامبران ﷺ به عيد غدير.....
۲۲	● روايت سوم.....
۲۲	تغيير چهره زندگي در روز غدير.....
۲۳	خطبه امير مؤمنان ﷺ به مناسبت بزرگداشت غدير.....
۲۹	اوصاف عيد غدير از زبان امير غدير.....
۳۰	تأكيد بر پيروي از اهل بيت ﷺ در كلام امير غدير.....
۳۴	آداب عيد غدير از زبان صاحب غدير.....

بخش دوم

اهميت عزاداري عاشورا و محرم و آثار و فوايد آن

۳۹	● روايت يكم.....
۳۹	هيجان احزان عاشورا.....
۴۰	● روايت دوم.....
۴۰	روزه روز اول محرم.....
۴۱	مقايسه بين كفار زمان جاهليت و قاتلين امام حسين ﷺ.....
۴۲	عزاداري آسمان و زمين و فرشتگان.....
۴۳	گريه براي امام حسين ﷺ موجب مغفرت گناهان.....
۴۳	زيارت امام حسين ﷺ از اسباب آمرزش.....

فهرست

بخش اول

بزرگداشت عيد غدير و بيان فضيلت هاي آن

۵	● روايت يكم.....
۵	شهرت آسماني يا عيد فرشتگان.....
۷	زيارت امير مؤمنان ﷺ در عيد غدير.....
۸	احسان به مؤمنان در روز غدير.....
۹	ارزش شناخت غدير.....
۹	فضائل بي شمار.....
۹	مذاكره فضائل غدير.....
۱۰	● روايت دوم.....
۱۰	عظمت عيد غدير در قيامت.....
۱۰	صيام انبيا ﷺ در روز غدير.....
۱۲	غدير روز خوارى شيطان.....
۱۲	عيد غدير روز پذيرفته شدن اعمال.....
۱۳	طلب آمرزش جبرئيل ﷺ براي محبين و شيعيان در روز غدير.....
۱۳	گذشت از لغزش شيعيان در عيد غدير.....
۱۴	غدير عيد اهل بيت ﷺ.....
۱۴	خير دنيا و آخرت در روز غدير.....
۱۵	برخي از نام ها و فضيلت هاي روز غدير.....
۱۶	پاداش عظيم افطاري دادن و خرج كردن در روز غدير.....
۱۶	تبريك و تهنيت روز غدير.....

۷. نفرین بر قاتلین امام حسین علیه السلام ۴۳
۸. آرزوی یاری سیدالشهدا علیه السلام ۴۴
۹. محزون در حزن اهل بیت علیهم السلام ۴۴
- **روایت سوم** ۴۵
۱۰. همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ۴۵
۱۱. چشم روشنی قیامت ۴۵
۱۲. زنده‌دلی در محشر ۴۵
- **روایت چهارم** ۴۶
۱۳. سفارش به تعطیلی روز عاشورا ۴۶
۱۴. عاشورا روز غم، عزا، مصیبت و گریه ۴۶
۱۵. سزای مبارک دانستن روز عاشورا ۴۷
- **روایت پنجم** ۴۸
۱۶. از کفار زمان جاهلیت هم بدتر! ۴۸
۱۷. مزگانگی مجروح! ۴۹
۱۸. عزاداری امام کاظم علیه السلام ۴۹
- **روایت ششم** ۵۰
۱۹. جزع و بی تابی حضرت ابراهیم علیه السلام در عزای امام حسین علیه السلام ۵۰
- **روایت هفتم** ۵۳
۲۰. محرم ماه حزن و اندوه ۵۳
۲۱. پاداش عظیم عزاداری ۵۴
۲۲. اقامه مجلس عزا توسط امام هشتم علیه السلام ۵۴
۲۳. مرثیه سرایی دعبل ۵۵
- **روایت هشتم** ۶۱
۲۴. اشک امام علیه السلام هنگام دیدن تربت کربلا ۶۱